

بوالله

این بعد پس از واقعه موله مصیبت عظمی صعود حضرت عبدالحق بلکوت
ابھی بجدی ہستلا و دچار خدمات اعدای امرائے و حزن الم گشته ام کہ وجود
در مجموعتی و در حین محیطی منافی ایفای وظایف مهمہ مقتدیہ خویش
می شرم لذا چندی اچار امور امریہ چه داخل چه خارج را بعمده
عائذہ مقدسہ مبارکہ برایت حضرت ورقہ علیا روحی لها الفداء
میگذارم تا بآید تعالی کسب صحت و قوت و اطمینان و
شاطر روحانی نموده بخود لخواه و مرا ام رشتہ خدماتم را کاملاً
مرتباتت گرفته بستی آرزو و آمال روحانیہ ام فائز و مال

کردم بندہ آستانش شوقی

آبریل ۱۹۲۲

فراہد درگاہ بندہ بہتان حضرت قہر الہا ہتر شاکہ مع کبر در حاکم استغاثہ نمود ۹ صبح جزا ہستہ

طهران اعنای محترمه محل منتهس روحانی روحیه اعم با حفظه ما

هونه

اجای مخلص جان شاحضرت عبدالجبار و برادران روحانی این بنده شرمند

کامش را در این جوار سه روزه مقدسه نورآ صبر و سکون و قرار در

من مصیبت جانسوز و حفظ و حراست الهیه و نایبیت قویه غیبیه

در اینت رحمانیه بر آنی ملتمس و طالبم که آن سبیت عزیزه محترمه را بر

نمای رضای خویش در آن اقلیم مبارک موفق گرداند و بر محافظه امرش

مدر حضرتین مینش موید فرماید امید و طبعمان هر یکسان است

در وی جدید و نفسی بدیع مبعوث فرماید ابواب خدمت را بر و جمان

سازد بر می و کوشش در عبستان بفرماید در سبیل خدمت دستگیری

در این اشغال گرداند تا بر اجرای این خدمت و طی این

موفق گردیم و از زندگان با وفایش محسوب شویم حق تعالی شاهد

در کام گواه که این بنده ضعیف لایزال در ایام مبارک علی

سنوات اخیر خود را مستعد هیچ گونه خدمتی بلکه قابل ادنی

است بر لای عویم نمیدیدم چه رسد بچیز تاج مومنی و مقام ربی

در کمال کل امور بیت العدل عمومی الهی است که من و اولیایم

از پیش دارم که اگر چنانچه در افکار و اقوال و رفتارم ادنی انحرافی

ارزشهای مبارک و تجاویز از آنچه از او برده شد حاصل شود و از شما در مقام
توقیف تعطیل و شمول تأیید اشیاء واقع گردد این مرد و بر ایشان با تو از خلق جدید فرمای
اعیان بخشد و قوه ملکوتی غایت فرماید چه خوش بود اگر چندی وقایع استهنا
در نهایت فراغت آرامی و توجه و انقطاع از بر شانی ارشون دنیا در جوار سه تفصیله
ایام و ایام را بضرع و زاری بگذرانم و روز بروز خود را فاعل و مجرد و ترمیموم تا
اگر آن محبت صرفه و روحانیت الهی در قلبم بر نواختند و استحقاق قیام بر ایفاء
بجایه و طیفه مقدسی حاصل شود ولی قلباً مطمئنم که نفس قیام بر واجبات همه امریه
حالت تأیید نماید و روح جدید غایت فرماید و چون تکلیف شد بهم آن است که
افکار را حاضر نموده تمام قوی و مشورت اجاب و متوجه الیه و معتاد اهل به نهدات همه
لازمه از برای تشکیل آن چیزی که در مستقبل حلال مشکلات و واضح احکام و شریع غیر
منصوبه و سبب امور میسر است حتی المقدور فراهم آرم لهذا از ایران با وفای جانبش
حضرت عبد الجبار در تمام نقاط امریه در ایران بواسطه انحصار محترم این سخن مرکزی
سعد دارم که عمالنا تا این مرجع تشکیل و تأیید گشته امور اجناسه و او مجتهد
بلده ای از بلدان راجع بحصل روحانی خصوصی انشهر گردد و اعضای این بیت بحال
در نهایت توجه و تبحر و انفس سبوی تشکلت باشد و آنچه را که اراده مبارک را در آن
مهری و از آنجا که اگر امری در بلده ای از بلدان میان آید اعضای این سخن را انعام
آن کس که در اسلام و دست بحصل روحانی مرکزی اقلیم که در ایران است مراجه

۳
این را موری که محافل خصوصی بدان آن مختلف آرای کرده آن را هم محفل مرکزی
و هر چه را که این مرکز اجرا تواند و مسلح و انداز بر من منصف با این اطلاع و به نادر
ت علوم و توجه هدایت مبارک و اراده مستشر اطاعت موم و آنچه که مردی بصالح امر
نات ایستاد الهی است معدوم بگری گردد جمال قدم جل اعظم میفرماید خدیو علم عالم پرستون
ایم از برای مشورت و شفقت و حضرت عبد الباقی از الواع باین سان باطن از مشورت
آن است که از آن نفوس معده و البته بهتر از این احسان نظیر قوت نفوس کبر و البته علم از
بجای است لهذا مشورت قبول نگاه کبریا و ماموریه و آن از امور عادی شخصی گرفته تا
در مشورت شخصی کاری پیش البته اگر بعضی خوان مشورت کند تجویز گفتن موافق است
بصفت حال اضع و آشکار شود و همچنین موافق آن اگر اهل قریبی بحبت امور خویش
مشورت نماید البته بطریق صواب نمودار شود و همچنین بر صفت از اصناف مثلاً
مشورت از امور خویش تا یکدیگر مشورت نمایند و بخار در مسائل تجاریه مشورت کنند
در مشورت بحسب خصوص امور الی آخر باینه الاعلی لذا نظام عالم بهائی
مشورت امری است که درون ناخبر و در نهایت اتفاق متوقف بر آن است که
در این نظام امکان تمام امور امریه راجع با افراد و جمیع اجناسه کرده مشاوره نمایند و
در تمام امور که متعلق با اقلیم ایران است بحفل مرکزی آن اقلیم مرجع
در صلاح امر و مشورت ارض مقدس لازم و واجب شد فوراً اخبار
در آن عمومی است پس خود بخود از او من عند الله است و تحسین است
در این امر که بر شایسته تکلیف بگری گردد وحدت بهائی منظم باشد

مخالف روحانی بیکدیگر محکوم و شدید تر شود و آنچه از محافل و کیتبهای متوجه از برای حفظ و ترویج آنست
 درین ایجاد شهری آیسر گردد کل باید در ظل محفل روحانی آن بلد باشد اطاعت از اناناید و بر حسب
 العن محفل روحانی حرکت نماید و محافل محفل روحانی باشد ز سایر محافل خصوصاً ولی آنچه از آنست
 و علم است تبلیغ امر است و تولید آن روح و ذوق شوق ترویج کلامه در قلوب افراد اجناس
 بقدر امکان نظر را باید از تربیت و تنظیم امور داخله اجناس با تسامح و انزاع و انشای نجات در بین
 متوجه نمود و فائق و جزئیات امور را ناعدی ترک نمود و در تمام امور که از نفع صیبت امر حفظ
 حصین شریعت است و تخمین اخلاق افراد بشر است کوشید تا لطفی بر امر الله و امر
 و بیانات و شهادت حضرت رسالتی آسیری ز ندانی جمال قدم و بیانات قانیه حضرت محمد البها
 و دم اطرش آید ز رود و وعده های هر چه نزدیکتر از قلم عشاق تحقق یابد خود اعلی این بودی
 و این بنیاد کبری عالی است پس بد قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت مناسبت بنیان بنیاد و با
 و بدینچ بود هر چه در تقدیر است ظاهر و آشکار گردد الا ان بیات انبیا است و احاطه با اینها
 در آخرین قرن محض معلوم و واضح گردد که چه بار روحانی بود و چه مویبت اسمانی ایوان الله
 علی بشت تعالی کل الاقدار و خط حصین از من شرا اعداء و لیتو جالیه و الاستیارتی کل
 الاحوال نسولی از کتب علمی بسان بگری که بموم دوستان حضرت محمد البها و تفصیل آماج اخیر مبارک
 و حقا از من منسوب و محاربت مراستاد و مقاله اجرا در راج با این صیبت علمی و نصاب الهیه
 مشارک رحمانه که در مشتمل ایام تحقق خواهد یافت بشود و مساعده از انکه لیدی بلا سفید ستاره کا
 که حال دایم از من منقسم است نهشته شد زو جان و جان پناز از حدیث غایب تا بر محمد باقر کا ارسال
 و محفل محفل انشا برین اجازت محفل روحانی طهران ارسال از ان بنده هتاش شرف ۱۹۲۲

۱۳۰۱

۱
 و انچه جناب قایم از محمود زرقانی اعضای محترمه محفل روحانی بسبی روحی
 لهم الفداء ملاحظه فرمایند
 هو الله

روحی و راحی فدای اوجه عبد البها رب علیم شاهد و وقف
 کشت که در این رزیه کبری که جهان امکان و قلوب یاران را
 طایقی نموده و رفات مقدسات و این عبد فانی کلا در هر
 ای قیاد و دوستان آن سامان بوده و مستم در ارجان تشریف
 کستان مقدس روحی جدید و تائیدی شدید از ملکوت
 کت سال و آلیم این عبد از شدت مشاغل و هجوم
 کار و علیه احزان در این ایام فرصت نگارش نامه فی علی حده
 ای آن دیار نماید و نفس اجاد واقف و آگاهند که این
 کت علمی که من دون استحقاق بر شانه این ناتوان گذارد
 کت محفل شکر تیرا زیاد نموده که حتی فرصت نگارش
 از جمعی تهیه تمهیدات کافی لازم از برای اجرای
 کت حضرت عبد البها و از جهت دیگر خدمت و
 کت مسافرن که حال از ایران و اوروپ و
 کت در ارض مقدس مجتهد از طرفی دفع شتر

نهین
 ۳۰۲

تأقین عهد الہی و تنظیم و ترتیب امور امریہ در این ارض و حل
 مشکلات متنوعہ متعدده و جواب اسئله بعضی از نفوس خارجہ
 کہ ازین صعود طلعت پیمان بجان پیمان طالب تشنه تعالیم امریہ
 گشته اند از طرفی دیگر معاونت و مساعدہ بعضی از اجابتا کہ از نقاط
 مختلفہ ارض کمال شور و محنت قصد تاسیس مرکزی امری نموده اند
 و ترجمہ الواح لازمہ عمرتہ کہ از کلک پیمان اخیراً نازل و بصاحبانش
 ارسال نگشتہ کمال این امور انجام و اتماشش مشروط بشمول
 تأییدات خفیہ متنابعہ الہیہ است و منوط و موکول بوعیہ
 اجبای الہی است کہ از قلوب صافیہ منسیرہ شان منبعث است
 و الا این پشہ ذلیل و عجز خیرہ تواند و چه استعدادی دارد
 کہ با امری از این امور کما نبسفی پردازد از اجبای الہی در
 بردیارسندہ عایم چنین است کہ علی البجالی الی صین تاسیس
 مرجع کل امور بیت العدل عمومی الہی امور اجابا منفرداً و مجتمعاً
 در ہر نقطہ از نقاط حسند و بر ما راجع بمحل روحانی آن دینہ یا قریہ
 گردد و اگر چنانچہ امر محتملی کہ راجع بصالح امریہ در تمام حسند و ستان
 است در نقطہ از نقاط بیان آید بصلاح دید و تصویب اعضای
 محل روحانی آن نقطہ راجع بحیث تغذیہ کنونی و کوشش سالیانہ

اجبای

اجبای حسند و ستان شود و آنچه را این حیثیت قرار دہد و صلاح
 داند بارض اندس رجوع نماید چون چنین شود امور مرتب و منظم
 شود و اختلاف درین افسراد و محافل رفع شود و در تثبیت
 امور تاخیری حاصل نگردد چه کہ در مستقبل ایام امراتہ چنان
 اتساعی یابد کہ رونق و رونق امور در دست یک شخص ممکن نشود
 و امور معوق و معطل ماند از اعضای محترمہ محل روحانی ہمیں
 نیز استعدا دارم کہ حیثیتی را مخصوص تعیین نمایند و با شرح ما
 ممکن حد اساسی مؤسین و مؤمنات را در ہر نقطہ از نقاط
 حسند و بر ما علیحدہ تعیین و ثبت نمایند و بواسطہ محل روحانی
 شریکاً بارض مقصود ارسال دارند چه کہ بسیار لازم است
 ان عمومی تعیین گردد کہ برودت و اغبراری بین اجابا و جتہین
 ممکن شود و ادنی ضرری بامر حسند وارد نگردد رجبای اخیرم آن
 است کہ در مراسلات و مذاکرات اجبای الہی جز بشوقی افندی
 ثبت سازند فخر و بیانات این عہد باین نام است
 کہ از نسیم اطہر صادر میگشت و در نظم از ہر
 چیزی عزیزتر و شیرین تر و شریف تر است و
 کائنات فائقہ و تعظیم و تکریم از ہر قبیل مخالف

و مابین حال و تنمائی این عبد است نظر برادرانه نمایند
 و این نظر را در اعمال و اقوالشان نسبت باین فانی ابراز و اظهار
 نمایند چه که از برای حال روحانی این عبد بهتر است و از برای
 تزیینات در عوالم معنویه اوفق و انطباق مبلغ مرسله اجابای
 مبسوطی و اصل و نیت این عبد چنان است که بالتیاریه از اجابای
 جانفشانی آن افسانم موفوری از آن صرف تزیین و تجلیل
 مقام مقدس مطهر حضرت عبدالمبارک گردد از آن دوستان
 و برادران حسیبی روحانیم تنها و استعدایم همواره آن است
 که دعا نمایند و تضرع و ابتهال بدرگاه غنی متعال کنند که این
 عبد را مؤید فرماید بر آنچه رضای مقدس اوست و علت
 سرور و جوهر و نشاط و انبساط

اجابا الله است

بنده استانش

شوقی

شباط ۱۹۲۲

فرزادگان بنده استانش حضرت عبدالمبارک صاحب کبریا در این استنسخه خود ۱۸۲۲ بروج در سلطنت

حسب روحانی بنده و قرب و کلاه الهی جناب انما شانه
 جمله به آید اجابای الهی اما الزمین بر او ان و خواهر
 این در فاران و بشوید و امم الهی و سایر نقاط خراسان
 روحی است تعالیم الفداء ملاحظه نمایند

بواسطه الناظر العظیم

در این سبب در سخن بر مشاق بهارا در این لیله فراق مجربان
 در این صبر و شکیبائی و تسلیت حسیبی و اشقاد و بیجا
 در این در سوخ شدیدی در امر الهی در این جوار سه روضه معتدله
 در این طلم و از صمیم فوادان یاران پر شور و دله خطه
 در این معطره خراسان را که در فخر ظهور و ایام جمال موعود و
 در این مشاق رب و دود بخدائی شایان موقوف شده قدم
 در این الطاف مخصوصه صادره از مصدر اعلی و با برکت
 در این شاق گشته اند مستقبلی باهر و فوحوالی چون
 در این امر الله طمس و طالبیم و بینایت نخل و منقلب که
 در این اثرات شکر و بارگرا ان این مسئولیت عظمی
 در این شامل و تراکم مشکلات مانع گشته که بانمایندگان آنجور
 در این عزیزان اقلیم بخود لجوازه و مرادم مصاحبت و

مونس

۳۱۰

موانع نایم و بر احوال و گذارشات و اقدامات و خدمات
 امریه بان کما یسعی واقف و مستخر کردم شبهه نبوده و نیست که جنب
 و اشتغال و توجه دسی و همت جلیل دوستان آنسان و خدمات
 گذشته و حاضر ایشان بعبیه سایه جلبت آید آلمی و هدایت تا بر
 حسن میان حال امی را محافظ خواهند کرد و در تالیف قلوب و ارتباط
 و پیوستن با جمیع و موید خواهند شد و تبلیغ امر جانپوشش منقطعاً عملاً
 و سعی آنست قیام نموده باز موقده آئینه را در صفحات مجاوره سعله در
 خواهد فرمود و اعظم و بهترین وسیله در این ایام آن است که در
 بر نقطه از نقاط ایالت خراسان که عده مؤمنین از نه تجاور نموده باشد
 محل روحانی تاسیس گردد و در نهایت روحانیت انتخاب شود
 و کل امور روحانی اجراء و مطالب امریه سفردا او مجتمعاً بان محل مقدس
 رجوع شود تا با اتحاد و یگانگی بیشتر را قرار و ترقیبی داده شود و اگر
 در نقطه ای از این نقاط بصوابه اجراء تاسیس انجمنهای مشرفه امریه لازم کرد
 انتخاب و تشریف این انجمنها محول با اعضای محل روحانی آن نقطه است
 کل باید در محل مقدس روحانی باشند و مسئول آن و
 مطیع و متعاود هر قانون و نظامی که محل روحانی وضع نماید و ترقیب
 اگر جان شود امور مرتب گردد و وظل و تاخیر و اختلافی در تشریف اجراء

حاصل نشود و الا وحدت بهائی محفوظ نماند و اختلاف
 میان امی گردد بجدتی اهمیت و مرکزیت محل و جای
 میان حال امی حضرت عبدالصمد تقویت نموده و نمایان
 روح مبارک استداقات را که یکی از اجای مصبرسان
 و در کلک عشاق نصیح و تعدیل گشته طبع و نشر
 و معروف بصوب محل روحانی بدینه قاهره بود
 با اید اعلامی عمومی بر اقدامات و خدمات تمام انجمنهای
 و تاسیس داشته باشد چه که محل روحانی بوحده محاسب
 و محاربات ارض مقدس و سایر مراکز امریه در
 احاطه متوجه محفل روحانی بدینه و باقریه خود باشند
 و طرفداری مستدرب و نظامی که در آن
 وضع شده بنماید تعاون و تعااضد جا
 آن تک مرکز و تالیف و اتحاد حقیقی قلوب
 ضرورت ترویج امر الله است در این ایام
 و باید و بیدم از اجای آلمی آن است که هر
 و نام و شانی و نعمت و سستی را با التماس
 از نظر مسازند بلکه فراموش نمایند

ایران و هندوستان بندگان صادق مخلص حال امی پارسیمان مهران سائر اجابت
و انار حمن روحی لمجستهم الفداء ملاحظه فرمایند

بوالله

منا و میان امر نیز افاق و آشفته کان روی دجوی دلبر شایق از ملکوت غیب در این ایام
حران و مهران تا یادت قنابه و نضات قدسیه و تسلیتی الهیه رجا و استعدایانیم
تا بر یک با قلبی مستبشر و قدمی ثابت و ربانی ناطق و روحی مطمئن و توحیدی کامل این
تبلیغ جولانی نماید و تمام قوی تا نفس اخیر و فای با بر تقدسش نموده در جهان الهی کلمات
مظفر با بر و ثوابی جزیل که نعمت فخر بقایش باشد فایز و سرور و قی کردند خطه هندوستان
حاجت اشباع و اقد میت تاریخ و تمدن و چهار خیش اختلاف مشارب و تنوع ادیان
و تعداد اجناس و استعداد نفوس میدانی است حاضر و وسیع از برای ترویج کلمه الله و
ارتقاء **فکر** بگین بن الله علی الخصوص در سنوات اخیره مورد عنایات مخصوصه
مرکز شایق بوده و بوعده های گوناگون شاد و امیدوار گشته حال که نایب دات
خفیه شش پیش از پیش از شد از پیش شایق اجابتی ثابت را سخن خواهد گشت امید چنان
که سعی و همت موفور اجار و اتحاد و یکجائی و تعاون و تعاضدشان در امر الهی
سبب گردد که آن خطه قدیمه جامع پر زورت و وسعت از نار موقده الهیه شعله
زند و ما فالیم متجاوره راد شرق اقصی مشرق نورانی نماید از اطفاف
الهیة امیدوارم که بیافین کمالی که متصف بصفات رحمانیه هستند در آن

فبیم

ایران و هندوستان بندگان صادق مخلص حال امی پارسیمان مهران سائر اجابت و انار حمن روحی لمجستهم الفداء ملاحظه فرمایند

فبیم نبوت گشته ندای جانفروای امر الله را بد لای قاطعه و بیانی نافذ گوشه زدند
و بعد نمایند و وعده های همیجه و بشارت آتیه امریه را از خیر غیب بگوشه آورند
لکن آنچه الان از الزم لوازم و اسم امور است صیانت حسن صین
الذمکی و اتحاد و ایلاف و امتزاج حسی صمیمی قلبی اجبار الله است بهای
مخالف روحانی است و شدید رابطه مشورت در بر امری از امور شر
نجات است و نعیم و از دیار مرسله و مخاربه با تمام نقاط امریه عالم
مراقبات حکمت است و ترویج و اعلان و تعالیم اساسیه دین الهیه
توجه نام است و استعداد رأی بدون واسطه از مصدر تأیید یعنی
حال امی و حضرت عبد البها روحی لمقدهما الفداء تعمیم معارف است
و سعی و اهتمام در مصالح عمومی و منافع خیریه اگر چنین شود عالم امکان از
تعالیم حال قدم و همت ایران جانفشان حضرت عبد البها از طلاک
بغیبت و جنگ و جدال و حقد و بغض آرمائی یافته بنور الهی منور و در
تساوت شادیه فایز خواهد شد در این جوار رفیعین لوازم امر الله را در آن
نظم استعداد فو حاتی کلیه و نجاشی با هر طالب عالم و همواره بنظر و نظر
و در نعیم جانپور و از ریاض قلوب دوستان آسان بند است

مارچ ۱۹۲۲

در ایام بنده استخوان خسته و با جسم کمرور و خسته استخضع نموده ۲۷۲ روح جبار است

نسخه‌ای مخصوص است که از برای اجزای آسمانی و اما، الزمین ایران و قفقازیا و
زکستان بواسطه انقضای مختومه محفل روحانی پهلوان نگاشته شد

اجزای آسمانی و اما، الزمین ایران و قفقازیا و زکستان و هندوستان
و اقلیم مصر و سایر صفحات شرق
قرآناً ملاحظه نمایند
هو الالبهی

بی حسین عبدالمجید روحی لجنتم الفداء بر خدای از صعود
بیت عزیز و اقول گو کب بنای نقدیرات آئینه دست مدیدی حکم
تفریق و تعطیل در جریان امور امر می نمود و بطور لیل را اجزای و جسور کرد
ولی از توجهات و تعطفات آن مولای حافظ و حایر همان امید و طیب
جان است که این سکن را همچنان و فورالی شدید در پی باشد و
در بی و مجوری اینعبد نخواست کس قوه و استعدادی جدید در انفا
و عارف همه تقدیر خویش گردد و اصل نقص و فووز را دیگر شایسته
ارامند و ایمان در تفریق جمع اصل عبادت گذارد و بگرداند سر من و جان
کشت که سوار و بد عیبی تقدیرش بی ناصر و طبر و حافظی علم مبین را
در طبع و انبات کلمات تا با تشریح کند و آنچه را امر می نمود و در
از احق امر است و بسیار از عاقبت نشینت لعل معین برای العین

ظاهر و آشکار سازد هیچ شبهه نبوده و نیست که اباس ابن امرئیسین و
دین است و روش استدلالی قدير و عاشقان بچید و حسابش
کل ثابت و جهان ثابت ولی اهل موس و ارباب ارکان است چنین بود
که وقایع و صیانت حسن امراته منوط بسی و کوشش نفسی از نفوس بود
و با شرط وجود و ترویج اسباب ظاهره حیات جهات عامه
بطون حال که در میدان تروک جولانی نموده ظن موهوشان یعنی
تغیر از هر تبدیل گشت و اقدامات و مساعی ممله شان بر پیشانی و نمود
و سکوت تحویل گردید سزبان که در وصایای مبارکه مسطور و سرف
ترام هم داعوا نم سزا و جازانی خسران بین بر بردی بصری مکشوف و
پیدا شد و چون صفت این فقره فقره از وصایای مبارکه کاتشمس فی
رابعه النهار واضح گشت و وعده های محکم تحقق یافت و فت آن است
که بارو حی پرفوج و قلبی مستبشر و قدمی ثابت و جذبی بدیع و اعتماد
جدید بر اجر آ و اتمام و اکمال و طائف و لوازم ضرورتیه حیات امریه مان
هریک کما یعنی و طبق قیام نمایم تا فقرات اخیری و بشارات امنی ای
که در همان درقه نور آ بهمان صراحت و وضوح تا یکد گشته من دون تا غیر
بناها جلوه گر گردد و آوازه امر الهی پس از آنکه بر منادی عمود خود را خاست
نموده خاور و باختر را باختر از آرد و چون بزمی زمین قدم اول در میدان امر

گذایم

گذایم و مترصد تحقق وعده های روح افزایش کردیم این مبادی با سببه
و شرائط ضروریه ایبا آورده در اجرای هر یک من دون ادنی اهمالی تمام قوی
بکوشیم شرط اول محافظه حسن حصین امراته است و آن جز بغیر است کامله
و مؤتمندی و بیداری و نظرونه تبرد و عواقب و اعتدال و حکمت در ترویج امر بما
و عدم مداخل در امور سیاسی و صدق و آسنی با کل دول و ملل عالم تحقق
پذیرد باید کل بیدار باشیم ولی نه تجاسر خائن امریه را بدلیل و برهان
و ثبات و رزانت و عزت و وقار اظهار داریم ولی در صحن اثبات و
القیام الحاح و اصرار و مجادله نمایم میفرماید اگر مقبول افتاد مقصود حاصل
و الا تعرض باطل از هجوم اعدا و شبهات اهل ریب و اعتراضات
تباعه بر امراته خمول و کسالت را بخود راه ندیم و اسیرایش و قنوط نشوم
که عوارض بیدار و مترصد اینگونه صدمات و لطات کردیم هر چه راست
است از اغراض نفسیه دانسته اقتنا نموده ذم من فی خوضم بعبون را حاصل
نمایم و آنچه را منی بر بحر حقیقت باقیم بدلیل فطری و بیانی علی در نهایت ادب
استماعا جواب هر یک ادیم و صراط مستقیم را بر هر فاضل مرتابی مکشوف
نمایم و با جمیع ادیان بروج و رجحان معاشرت نمایم و با ملل و فرق مختلفه
بمخالطه و مکالمه نمایم و با هر طبقه فی از طبقات نفوس خود را
بمستاد و کرمه و ولی ز غماز رخسار که گشت خود بخوار و وصف انعام الهی

راه یابد و مغرب بنیان دین اصل به داخل شود و ابرص سفیم
 بحیثی سلیم امرانته تقریب یابد اگر این دو حکم محکم که معاشرت
 و الفت و مجالست با ابرار از تمام اصل عالم و مجابت اشرا و انجاء
 است کاملاً متناد با معمول گردد چندی نگذرد که ندای جانفزای امر
 بها بر سرخ و پشمن در ارقام طبقات و اکناف اهل عالم جذب
 نموده بدایت نماید و این جنود مؤید امرانته از آفت اغیار و از
 خلل خارجه محفوظ و مصون ماند و چون امرانته از ارشبهات اعدا و
 تعرضات اشرا و لطافات اغیار محفوظ گردد شرط ثانی اتحاد
 و الفت متحصنین است یعنی حفظ وحدت جمع اهل بها و سعی و کوشش
 در ایجاد و حفظ و تشدید روابط روحانیه که شرق و غرب و جنوب و
 شمال عالم جهانی را بیکدیگر چون اعضا و جوارح یک تن مرتبط و متحد و
 نظیر یکدیگر میسازد ایوم در عالم وجود هیچ قوهئی و هیچ ندائی تا
 بحال ندای طبقات و احزاب و اجناس متنوعه عالم را بیکدیگر
 گامیننی الفت و اتحاد حقیقی دائمی نداده ادیان عالم دور و غافل
 از حقیقت و استس اساس بگرد بگردند و ندای طبقات مختلفه در هر یک
 متباغض و متعذی بیکدیگر دول عالم و ارباب سیاست
 تا امروز در قطعه جبهه شرق و غرب را بیکدیگر انسجام بیک مصالحه

نداده که سلسل است در اکثر دول عالم و امپراطوریه با اجناس
 مختلفه کوس استقلال زند و فصل و تجزی طلبند نیزان تعصب
 جنسی بر قوای سیاسیه غلبه نموده و بر اختلافات عالم بشه
 افزوده و همچنین تعصب اقتصادی حسرتی بن حم غفیری ایوم جنگ
 و جدال بین جمهور سرمایه داران و جمهور رنج بران کل ملل عالم جوید
 و این تعصب اقتصادی حال بجدی مارشس النهاب یافته که حتی بروعد
 شعور جنسی غلبه نموده و اکثر دول متقدمه و شعب متدنه رافیه
 عالم که از حیث لسان و تاریخ و مشرب و دین و حکومت و سیاست
 بزرگ و متحد المآلند هر یک در تفریق و تشیت امت
 شده خود کوشند و همچنین تعصب وطنی سیاسی نام
 این قومی و تعصبات ایوم در عوض توحید و تالیف قلوب
 موجب شر بر جدال و اختلافات داخله اش می افزاید
 عالم وجود نشسته یک قوه قاهره جامعئی است که ادیان
 و مذاهب قدیمه و شعب و اجناس متباغض و حکومت و
 دول متحاربه و طبقات متباغضه را بیکدیگر طوعاً و قلاً مصالحه
 شرح دهد چه قوهئی مگر قوه قاهره تعالیم بها
 در التبیان و استخراج را فراموش آرد و روش حلال مشکلات است

وسطوش منط بر سر شوکنی در عالم وجود و این جت جامعه که
 جوهر این امر مبارک است و کافل حفظ وحدت بسع اهل بها
 نفوذ و تاثیرش منوط اولاً بنوچه عموم بهائیان شرق و غرب
 بدو کتاب مستطاب اقدس و وصایای مبارکه حضرت
 عبدالبهیار و ثانیاً بتاسیس حکیم محافل شور روحانی
 در تمام نقاط امریه که در مستقبل ایام چون مالک ممتدی گردند بیوت
 عدل بمذل و محول گردد هر چند مرجع و مرکز توجه از برای عموم این دو
 کتاب مبارک است ولی باید در ترویج اسباب اعلاای امریه
 و حفظ و تغزیر و تاسیس و تکمیل در میان مل و دول عالم این محافل
 روحانیه جدی تبلیغ مبذول دارند و مسؤلیت عظیم بر خود گیرند
 و حق و ربط امور را تا حدی معلوم بر عهده خود گیرند تا در ترویج
 و تعمیم امر خلاق و غیره فتوری حاصل گردد و اساس بیوت عدل الهی
 در مستقبل ایام مستحکم شود و چون صیانت و وحدت امریه
 تحقق یافت دفع شرک و شرک و نفاق و شقاق در امریه منعدم گردد
 شرط ثالث و اخیر از برای ارتفاع کلامه امر مهم تبلیغ است
 و این امری است بغایت مهم و مشکل و دقیق شرائط مبتلغین در
 الواج تقدیس حلتاً مسطور و مشربست باید بوقت کامله و توجه

نام آن شرط را تلاوت کرد و سعی و جهد موفور مبذول داشت
 تا هر یک باین صفات ملکوتیه متصف گشته زبان تبلیغ دین الهی
 گشودیم از جمله شرط اول تزلزل تزلزل و تقدیس و اتصاف بصفات
 مدوحه مرضیه است و حسن رفتار و گفتار و کردار مراعات حکمت
 است و ملاحظه مقتضیات زمان و مکان باید اعمال قند و مثبت بیان
 در تبلیغ گردد و شخص مبلغ اولاً استعداد طالب و نوایای قلبیه
 و شرب و محبتش را بدقت ملاحظه نموده آغاز صحبت نماید تحصیل علوم و
 فنون و معارف و اکتساب معلومات هر چند از لوازم ضروریه
 محسوب نه ولی از تاثیر کلی و اهمیت عظمی خارج نیست ایوم تبلیغ
 شرط دوم در الواج اول فریضه حس نفسی است که خدمت بعثیه
 بسیار طالب و آمل باشد و بهترین اسبابی است از برای هر
 شناسائی که مشاهده اشتغال عالم را بنا بر موقده الهیه آرزو نماید
 از آن ذرات از لسان الطهر میناق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی
 مناسبه و تعالیم اصلیه حضرت بهاء الله که در بلاد غرب علی روس
 اشهاد اعلان و بیان شد در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص
 و استعدای بجهان اسلوب بدیع و سخن جدید و ترتیب کامل که موافق
 طایق مشرب عالم است القا گردد چندی گذرد که مسنخ منقلب گرد

و نور ایمان در قلبش بر تو افکند حال بگو شبیم تا باین شرائط و
 صفات مزین و منقح گشته جام طایف عرفان الهی را بر ششگان
 عالمیان برسانیم هر یک این شیوه مرضیه را پیش گیریم و
 این وظیفه مقدسه را انجام دهیم اجرمان در ملکوت ابی عظیم
 است و ثوابان جزیل این است استعدای قلبی
 این عبد از هر یک از جیبیان و جان نثاران عبد الهی
 و هیچ شک و شبه فی نداشته که این استعدا و تنای اول و
 آخر این عبد آستان را قبول خواهند فرمود و روح مقدس
 حضرت عبد الهی را در ملکوت جلال شاد و خرم خواهند کرد
 همواره مترصد و منتظر اینگونه

بشارت از آن

صفحات بوده و هم

بنده آستانش

شوقی

عابد سیر

۱۹۲۲

فرزاد درگاه بزرگوار حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

طهران بواسطه اعضای محترمه محل مقدس روحانی ایران الهی و امام الزمزم نام
 صفحات ایران طرأ ملاحظه نمایند

تواضع

ای عزیزان حضرت عبد الهی روحی او فاکم الفدا در این صحن که در دامنه این کرم
 الهی مذکور و فکر برادران و خواهران روحانی خویش در شرق و غرب عالم مانوس و الموم
 آن برگزیدگان الهی و خاصان حقا که در این اقلیم مقدس بزویج دین الله مشغولند فوراً
 بیاور آورده در کمال شوق و شغف قلم را برداشته تخریر و ابدای مافی الضمیر پر ختم
 آن اقلیم جلیل سرور را قلم است و قوه مودعه مکنونه در آن قوه روح الهی ابناش
 گزیده اهل عالمند و بارانش فانی بر جنون رجال در بین ام رکن کینش ابر الهی است
 شمس بنایش آئین بانی حسن صیفت و صابای مقدسه است و سیف و سنانش
 عالم آینه رافع لوا این حال اندس ابی است و همواره طبر و ناصرش مرکز
 تبار الهی حضرت عبد الهی شبیه نبوده که اجای الهی و امام الزمزم آنسان
 در بر و نجد این نعمت کبری نمایند و از این موجب غمگی که اهل جلیل و نایع عربت
 بیست دقیقه فی غافل نشوند از ظلمت جان و غفلت جانان ملول
 و از صدقات قنایه و محظورات متعدده این ایام خموش و پشورده گرد
 از قدر اذن عالم بر غلالتش بفراید و لیله آشوب و انقلاب طویلتر گردد
 در شان طلوع صبح صلح و سلام شدید تر گردد و اطمینان شان بطوع استعانت الهی

در قلوب غافلان قویتر شود و بشارت الهی که حاکی از استقبال پیرانند باریست
 در کتاب بریکت مخصوص محترم است و آثار و علائم این تجدید روحانی دراز و با
 نفوس اهل آن کشور نورالایوم واضح معلوم از وصول اخبار و وجات احوال
 اضطراب و انقلاب آن صفحات را فرا گرفته و راحت و آسودگی مفقود ولی برای
 بجای حسن صحن در میان این شور و آشوب همانند که بصلح الهیه و عمل موجب
 تعالیم مقدسه ربانیه است این تعالیم سماویه در هیچ شئون و احوال خاص
 صون و حمایت بهائیان است و کافل سعادت حقیقی و ترقیات معنوی عالم
 انسانی توجیه عالم اخلاق است و جدوسی در تزیین و تثقیف افکار از الله
 تعالیات جنسی و وطنی و سیاسی است و تعمیم تربیت در هر طبقه فی از طبقات
 نفوس اشاعه سعادت افکار است و استمداد عون نماید در بر امری از سعادت
 کبریا بداران در این قرن نورانی هر یک ناشرین تعالیمند و پیامبر این بشارت
 بطالبان و مشتاقان این عالم ثبات و استقامت در این عمل میسر و در جالب نماید
 و در هر دم توجیه و استعانه از حق تقدیر کافل فلاح و نجاتی باهر این بنده ضعیف
 بیاد آن باریان و جوار بقاع علیا بایند عام مشغول و مانوس که ای مولای شغوف
 و خون از لگنوت بهایت نظری بحال این پروردگان بد عنایت افکن و
 حرب مظلومت را قوت و شرفی ده آتش رفت و حرفت بنشان و ببار
 معین باریت من علی الارض تکبیر و تخفیه ده قلوب پرموده و دوستان

بشارتی

بشارتی بدو پیشه بکن و بنیان مجید امرت از ان اقیم مقدس استوار
 و مرتفع فرما سر شکی باید قدرتت رفع کن و وحشت و اضطراب را با آبش
 دل و جان تبدیل ده آشفته کان رویت را تحقیق آمال نسبت بحسب این
 او از کان مستند را در کف حراست و حمایت محفوظ دار ابد این عهد است
 چنان است که باد عینه برادران و خواهران روحانیم که از قلوب محرقه صافیان
 صادر است این تمام مقرون باجابت گردد و بتدریج آن بشارت موعوده در حق
 ایران و ایرانیان بحکیم تحقق پذیرد ایوم امور عالم منقلب است و ادیان مل
 و احزاب و دول متعددی که بیکر حفظ باران در این همه و آشوب منوط و مشروط
 بعدم مدخله در امور سیاسیست و مشکلات شرعی و فیه و اقدامات مساعی
 احزاب مختلفه بنا غضاست باید بجل محبت و مهربانی نمود و خدمت عالم انجا
 منظور نظر داشت مراعات حکمت و بردباری لازم و واجب است و بیوشیار
 و بیداری و ملاحظه تمام در عواقب امور و تدبیر کامل در اظهار عقاید از شرایط ضروری
 محسوب بیطرفی کامل نسبت با احزاب سیاسی باید قلبا و لسانا اظهار داشت
 و خیرخواهی تمام نوع بشر در دولت و چه ملت که از اساس مبادی بهائیان است
 باقوال و اعمال اثبات نمود اگر چنین شود بدرقه عنایت رسد و نماید و توفیق
 مترادفا شامل حال گردد و مصونیت اجنا و اعلاهی امرانند تحقق پذیرد و از برکت
 حظ و صیانت اجنا و بحکیم ارکان شورت که این آیام از الزم لوازم محسوب

تغیبت

نقیبت با هم محافل شور و عیانست یعنی در هر یک و فرغ در آن اقدیم پس که بعد
 اجازت بنال از سن بیت و یک و مافوق آن از نه تجاوز نماید اجامه من روستا
 مخصوصی تأسیس نمایند و در تمام امور روحانی که راجع بصالح امریه در آن نقطه است
 مشورت نام کنند و کل چه در داخل و چه در خارج محل ایداعات و اوقاف با هم
 محل نمایند و تصویب نمایند اجرائات را نمایند و لو برای اکثریت مخالفان
 دعاری از صواب باشد و اگر چنانچه در نقطه اقطاب دائره امراتشای یافته
 امور امریه مانند امر تبلیغ و محاربات امریه و تأسیس مدارس بهائی و امر
 مشرق الادکار و طبع و انتشار الواح و کتب و مقالات امریه و تربیت و تنظیم
 محافل و مجالس اجبا و سایر تشکیلات روحانیه عمومیه عملی باید محمول
 بلجته فی مخصوص گردد و اعضای برجسته بر محل روحانی خود انتخاب نماید
 و در صل و اطاعت و اداره خود آورد مرجع و محاسب محل روحانیست
 سایر بلجته ماعل اجزای آن بمقتضی و سؤال و در نظر آن اجبا باید اعتماد و ثقت نام
 باعضای محترمه محل روحانی خویش داشته باشند و تعاون و تعاونند قیام
 کنند و همچنین اعضای محل شور باید بصالح امریه عمومیه ناظر باشند بزوجه
 مقاصد شخصی نمایند و ناظر بافکار و امیال و مصالح خویش نگردد و چون مساوات
 حقوق رجال و نسا در این دو در بدیع از تعالیم اساسیه است در صحت انتخاب
 رجال و نسا از سن بیت و یک و مافوق آن هر دو حق تصویب یعنی ابدای رای

و انتخابات را در اولی به موجب تصویب نیستند اگر نه آنگاه و مطلق بر اوضاع امریه نمایند
 انتخاب نکنند و ابدای رای نمایند و چون امر حجاب در شرق مایع است و معمول
 به عبادت نسا از بیخ نقیبت در محافل روحانی ممنوع و امید چنان است که این قیوم
 اولی که در میدان مساوات حقوق رجال و نسا برداشته شد سبب تشنج مغز
 امار الرحمن در آسمان گردد و بنیاد بخت حکمت و سعی و بخت بر یک قیام بر
 ایفای وظایف خود نمایند و در معلومات امریه و اقدامات روحانیه مساوی رجاء
 کردند و اما در خصوص اشترک مجلات امریه از فرائض اجبای الکی آنست که بنام قوم
 نقیبت و معاونت این مجلات بهایز انانید و در صورت استطاعت اجبا جمعا
 در نسا بواسطه محل روحانی خویش اشترک این مجلات کنند و بشارات امریه خود را
 نیز بواسطه محل روحانی مقرر است تا با اداره آن مجلات ارسال دارند و همچنین
 مقالات امریه در نهایت اتقان و مناسبت و سلاست مرقوم دارند و بواسطه و
 تصویب و اطلاع محل روحانی خویش آن مجلات ارسال دارند تا روابط متفقانه محکم
 نقاط امریه شرق و غرب عالم را یکدیگر و کل را با برض اقدس مرتبط سازد و بشارات
 اعلامی امریه مشام روحانی را بر مردم مغر و قلوب راستبشر دارد و اولی باید بکتابت را
 ملاحظه نمود و باین مورد در نهایت سکون و قرار و تدبیر و ملاحظه اقدام کرد تا
 تعلیمی بیگل امریه وارد نگردد و از هر ضرری و خطری محفوظ و مصون ماند در
 این جوار از درگاه رب متخار عنایات و نمایند است الهیه را از برای آن یاران

که نمیم امر آتی را آرزو نماید و سرور و رضای آن مولای خون را در ملکوت ابعی بجا
 کرده اگر بر یک از اجناس فریادش در روز این سبیل بکوشد و استمداد نماید از درگاه آسمانی
 بچید نماید چندی بگذرد که روح بدی ظاهر شود و شور عجیبی امر الله افند و نیز تعالیم حضرت
 سائر الله جلوه کاملی در ارواح و نفوس افراد اجناس آورده پرتوی شدیدی به عالم امکان اندازد
 و غلغلات حال که تعصبات و منازعات و محاسبات داخله و خارجیه را بطولع و اشراق
 شمس صلح عمومی بسدل سازد اگر چنین شود این وعده محکم آتی برین تاریخ تحقق پذیرد
 و بشارت ربانی جلوه گر گردد قوله الاصلی این موهبت کبری و این نعمت عظمی حال
 اساسی بدفترت آئینه در عالم امکان در نهایت نباتات بنیان و بنیاد یافت و بندید آنچه در
 بویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد الا ان بایات نباتات و آغاز ظهور آیات
 نباتات در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهاری روحانی بود و چه موهبت آسمانی
 از برای هر یک از باران آنصفحات که محبوب عالمی است چشم جانان بآنان متوجه
 و چنین بشارتی در جهان نازل ز قبایلی سر بیه کلیه معنویه همواره از درگاه آسمی مسلت

بنمایم و بشارت جانپور که حاکی از نجات و فوز با برشان
 در این سبیل است از آن شطر مبارک

لا زال مرصد و منظر ۲۳ ج ۱ ک ۱۰ / ۱۳۳۲

بنده آسمانش شوقی

روز دوشنبه بیست و نهم شهریور ۱۳۳۲ ع اکبر در ده استغنی نموده ششم برج حوت ۱۳۳۲

احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت

احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت

احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت

احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت

احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت
 و احیای الهی و امارت در رشت

تا عاقبت مقبول و ناز شوند و شافان بر راه مستقیم الهی دلالت کردند این چه
 وظیفه مقدسه و این چه نعمت کبریاست که حضرت بها الله در این کور
 عظیم بهائیان را بآن مخصص فرموده باید بشکرانه این الطاف قیام کنیم و
 در مقابل این بجهت بسزوله می نیاسایم و راحت نشینیم و بکث
 کبری در نهایت اعتماد و انجذاب در میدان خدمت قدم ثابت نماییم
 و گوی سبقت را از یکدیگر بر بایم آنچه را ما موریم انجام دهیم و آنچه تقدیر
 الهی حکم فرماید تسلیم و راضی شویم و خیر امر است را در این دایم بایس و قیود را
 بخود نماندیم و ترزد و کسالت را از نظر محو سازیم چنان اطمینان و
 ولعی نماییم که اصل شک و ارتباب نماند گیرند و افسردگان بی روح و جان
 با ابتزاز حرکت آیند هر قدر از این شوش تر گردد و نفوس عالم مضطرب
 و خائف تر شوند ثبات و اطمینان قلبی اجاجلوه می شدید تر نماید و معیشتان بلندتر
 گردد چه که طاقت را خیر محض دانند و از ارتفاع کله آینه و اقبال جانیان
 که قدم اعلی تان بشارت داده مؤکد و محموم شمرند این غنیمت کبری و این
 شرف استی و عزت بی منتهی بیازان در این عصر نوری انی عنایت گشته
 اگر خود را بیاس و خودت مبتلا نکنند و محروم نمایند لابد قوه مقدر
 الهی نفوس را بگردانند و زنده خویش مبعوث نماید و بر انجام این امر برزور
 مؤید دارد پس باید یکوشیم تا ازین نور ابدی خود را منسوخ نماییم و از این

عت ابدیه محروم نسازیم از درگاه رب متعال حق آن یاران و عا و تضرع نمایم
 که شریک را بجدائی فائده مؤید دارد و تمت و نصیبی عظیم از و اسب سما و تبه در عالم
 الا بعد فرماید و پس بذاعلی التبرع بزر و آینه لسیح مجیب ۱۴۲۲ هـ / ۱۳۳۱ م / ۱۹۱۲
 بنده استانش شوقی

از یکد اعضا می نمره محل روحانی عشق آباد برادران و خواهران روحانی اجای
 در زمین در دیده عشق آباد و طابشکنند و مرد و خود و قهقهه و سرفند و سایر
 عا طامیه در صفحات کرستان طرا اعا حطه نمایند
 بوائه
 در این سال ای و یاران است با وفای هر که میثاق حضرت عبدالبهار
 در این حوا از برانوار ترقیات معنویه و تاسدات قنایه و الطاف
 علیه السلام انشا الله تعون و عنایت زانیه شعبه امر الهی را در تمام اطراف
 این عالم را فرود آید و ندای جان پرور با بهار الهی را بسع بر صیر و شنید
 در جای مدینه عشق در گذشته ایام مورد عنایات امیر و امیر صدرا
 در کنگر نمایان صحر بالطف و توجهات مخصوصه ارتفاع بیان رفیع
 در او کار اجای انسا ما را منظر عنایت فرمود و اقدامات و سعی
 در این سبیل آن جان شازرا عزیز و مقرب درگاه کبریا کرد حال از غیبه
 در آن دعوات نمایانیم که خود مجتهد نماید طبر و معیشتان گردد و بر

خداوند متعال در مقام روحانیه شان بهر دم بفرزاید تا بمستی آمال و آرزو
 ناز گردانند و آن قطعه عظیمه ترکستان را تمامها بنور معرفت الهی منور
 سازند و امانی آن بلاد از قریب و بعید و در ضمیمه و شریف البصرا
 سیم المی دلالت کنند از اخبار وارده و بشارت جدیده که حا
 از خوران مار موقده الهیه در آن بلاد بود سرور و جهور کلی حاصل گشت
 و رفات مقدسات نسبت یافتند و قلب این عبد سر در زو شادمان
 گشت مجاورین و مسافرن ارض اقدس شکر و سپاس بپرگاه مینیا بنمودند
 که الحمد لله این شورش و آشوب داخله که در اوایل سبب بریشالی و شفت
 اجبای المی گشت عاقبت منتهی بجلو امر الله و تعزیر اجتا و توفیر و تجلیل
 اهل عبادت و جم عظیمی مبادی مضرة و عقاید سفیه شان را دور
 انداخته بنعایم المی متمسک گشتند و در عوض بهم بیان سبب اجتماعیه
 اساس وحدت عالم انسانی مستحکم ساختند کل دعا و حق آن یاران
 نمایم تا دایره خدمتشان اشاعی عجیب آید و وعده های الهی امر الله که
 از علم حضرت عبدالبار نازل در انسا مان کاملتر بجا تحقق آید در کل
 اجهان در نهایت استیاق عنقر و مترصد بهوت شام جان پر و بشارت
 از آن دیار بوده و مستم و نضوج را کج محبت و الفت و دوداد بین اجبا
 از غنیه مغایره سائل و اهل حال وقت آن است که محافل روحانی در تمام

اطلا امریه در محافل ترکستان تاسیس و بحکم گردد یعنی در هر نقطه چه شهر
 و چه قریه که عده مؤمنین از رجال ارشدین است و یک و مانوق آن از نه
 عاود نموده اجبای آن نقطه به نفع از جمع خود در نهایت توجه و تجرد و
 صلح کشتن استقامت استقامت انجام نمایند و نام آن را محفل روحانی گذارند
 نام امور که راجع بمصالح امریه در آن نقطه است باعضای آن محفل بهر
 صلح و عامرا حد نمایند تا پس از مشورت دین و مع اگر تمام بهر یک
 محفل روحانی در نهایت حریت ابدای رای خویش نماید و مانوق
 اما اکثریت امور مرتباً بنظمائست گردد و در مسائل حل و تصفیه
 و حل اعصار و اجاد در داخل و در خارج محل مطیع و متعا در رای اکثریت
 و لو اکثر رای اکثریت مخالف واقع باشد و عاری از صواب
 صلح و محاربات رسیده امریه ترتیب محافل و مجالس تاسیس
 در کل محلات امریه طبع و انتشار الواج مبارک که و کتب و مقالات
 از مشرق الازکار انشاء و اداره مدارس سبانی و سایر
 محلات امریه علیه امریه در هر نقطه از نقاط کل باید در تحت اداره و
 صلح و عواهد بد محفل روحانی باشد و امر بر کبر محفل روحانی محول به لجنه ای
 متشکل نماید و اعضاء آن لجنه را نفس محفل روحانی در ضمن تشکیل است
 در ظل و اطاعت خود آورند و آنچه را محفل روحانی با اکثریت ارا

امری از امور خارج از دایره و منطقه محدود خویش اند و آن امر را
سند کلی مهم امری شمرده که تعلق نامرات در تمام اقلیم دارد و آن
مجلس مرکزی اجای ترکستان را حاکم نماید و محول بآن است
مرکزی کند و تمام محافل روحانی در سطح و مطیع و مطیع محفل
مرکزی آن اقلیمند اما محافل محلی را در امور محلی و خصوصاً مرکزی
تعمیرت نمایند و از اصول است که در صورت لزوم در آن محفل
مانند اعمای و امان تعیین کنند و تعاون و همکاری تمام محافل
و در سطح اجای محلی محفل روحانی مرکزی را در صورت لزوم
سخت و یک و با توفیق آن حق صورت بی ادبی روی
و احکامات و از روی حاکمیت در شرق تابع است و در هر
سازمان اجای از حق صورت در محفل روحانی ممنوع است و در صورت
و این مجلس مرکزی ترکستان باید تحت محفل باشد و این اجای
و اما اگر من است و یک و با توفیق آن محفل بعد از و در
در فقط از نقاط امریه حده و کلانی از ما بین خود اجای نمایند و این
و کلا با نقطه جمع شده و با کنتار اجای کنند و آن نیز
اعضای محفل شور مرکزی آن اقلیمند و این است و این محفل
خصوصی بعد از اجای در ایند اجای محفل اجای نماید و امور تبلیغ

مخابرات امریه و زینب محافل مجالس و بنا برین شراک بجدات امریه
طبع و انتشار الوان و کتب و مجلات امریه و امر تشریف الی و کار و نشا
اداره مدارس بهائی و سایر تشکیلات خیریه علیه امریه که راجع بنقطه
خصوص از نقاط امریه نباشد بلکه راجع بصلح عمومی امریه در آن اقلیم است
و این مجله مخصوص محول نماید و این مجله با ناماد و محفل مرکزی هستند
سویل اعضای آن محفلند و مطیع و منقاد آن اگر چنین شود امور
مهم کرد و امراته نزدیک شود وحدت بهائی محفوظ نماید و یکا کلی وقت
سجاد باقی و برقرار گردد و این محفل مرکزی آنچه را خود منشیت
و با عرض اندس مراجعه نماید باین نحو اساساً بوی عدل الهی
سنگم گردد و امور امریه کاملتر تا بین دون اخیر مجری شود و از جریان
و اما در خصوص شراک بجدات امریه یعنی تخم با خیر و البشاره
بشید خاور امید و عهد چنان است که در صورت استطاعت
باید نقاط این امر مهم لازم را اعمال نخواهند نمود و بواسطه محافل
شراک بجدات امریه خواهند کرد و محفل روحانی
مخابرات مجاریه با اداره آن مجلات نماید و بشارت امریه خود را
و اما اجای شرق و غرب عالم واقف و مستحضر اقدامات
و تمام اجای کردند و شبیهی نیست که اداره کامله خواهد
شاید

آن طرز ارسال کرده تا محفل روحانی طهران این نامه را در بین اجبار است در
ایران انتشار دهد نامه فی عمومی بحضرت امین الهی و دکلمای محترمشان
بواسطه محفل روحانی طهران نگاشته شد و در آن تاکید گشت
که از این بعد آنچه را اجبای الهی و اما از الرحمن و محافظ روحانی
از خدا و اعانت و حقوق تقدیم نمایند باید عمل بواسطه
و احاطه حضرت امین باشد محض اطلاق اعضای محترمه محفل روحانی
طهران ذکر شد بنده استناس شوقی

۱۷ شبانه ۱۹۲۳

بواسطه اعضای محترمه محفل تقدس روحانی طهران روحی قدم
حضرت امین الهی و جناب حاج غلام رضا و دکلمای محترمشان در
تمام صفحات ایران ملاحظه نمایند

بوالا بچی

باران امین و بندگان است و منین بر عهد و میثاق رب قدیم را
در سردی مزید نمایند از درگاه رب مجید خواهم و صون و عفت
حضرت احدیت را از برای آن فدایان امر است مسکلت نمایم
فی الحقیقه آن انسانی الهی علی الخصوص آن جان پاک و یار و فادای
و منتهی خالص محفل حضرت جمال اقدس امین و امین معرب

حضرت

۱۴

حضرت عبدالبارک بنیاد و نهاد است آن مقدس را بندگان محفل
و مرکز عهد و میثاق را با زبان خود و ما و ما سلسله بان
نمانند بود و منین بود استماع روشن در عهد و عهد آن است
که حضرات دکلما بر اثر اقدام آن بر کرده محفل است ایام یعنی حضرت
امین شکی و سلوک نمایند و اوقات آن حقیقه یعنی نمایند
از درگاه عتی منتال از برای هر یک نمایند حضرت صی الالطاف
ظلم و حفظ و حمایت الهی جویم تا کنن تا نفس اخیر خدمت امرش بوقی
گردیم و نور رضایتش منوره و در ملکوت اجمالی بنیت لغایب
مرزوق و فائز شوم سفارشش مخصوص با اعضای محترمه محفل

روحانی طهر آن در باره آن حسیان در نامه آینده خواهد شد
که بعد از باران و اما از الرحمن و محافظ روحانی در آن افسوس ایران
باید تقدیم نمایند از احاطه و حقوق و عفت را و عهد و عهد نمایند
حضرت او امر تقدیم کل را راجع بحضرت امین نمایند و تسلیم

انسان کنند لا غیر انشا جلاله و الکریم در مکانیست و مرکز است
حضرت امین و امین امین که بکسور حضرت در قه جلیار روحی است
المت ادر استاده بودید ملاحظه کردید بعضی است مقرری
سلسله چون در ایام مبارکت با مر مبارک بوده حال هم نباید همان

زنت

۱۴

ترتیب قدیم بواسطه وصوابدید حضرت امین تاذیه شود
این چهار هزار هزار از درگاه ملک مختار عون و عنایت الهیه را
از برای آن عزیزان سائل و آلمم بنده آستانش شوقی

۱۴ شباط

۱۹۲۳

نسخه منسوب به امان آلی و اما الزمین در ایران و قفقاز و ترکستان
گردید و بواسطه اعنای نرسیده نقل قدس و عانی بریند ایران ارسال شد
اجای آلی برادران و خواهران روحانی و کشور مقدس ایران و بلاد هندوستان
و قفقاز و ترکستان و بین النهرین و اقلیم مصر و بریتانیا و سایر نواحی
شرق بطر آملاطه فرمایند

۲۰۴

قدیم بروحی با اصل الباء المقتبسین من نور الآفاق و بدر المبتاق الساع انوار اجمالی
سالمین آن عاشقان و فدایان حال قدس امی و سپردان پرورده و دعایت
و آستان برادران و خواهران عزیز تر از جان در و از اشنای کبریم و خط و مصوبت
و برقیبت هر یک را از آستان مقدس حضرت به آانه سائل مردم بیاد آن
و بذكرشان مشغول و در این اراضی مقدسه که مطاف عالمیان و مزار جانان
و انام در جوار روضه مقدسه نور آ و مقام مبارک حضرت اعلی و زینت مظهر حضرت
و این دعاستدکر که ای قوی قدیر و حافظ امین انعام مستقیم محافظان ما
و نویسنده ناسرین نفعی بیکه آیه مستقیم ما را از لودت فارغ کن و پاک و
و ایام شایم باعمال و اخلاقی مکتوبی در انجمن عالم مبعوث فرما منظر طوبیارات تویم
و ای حکمت بسته قوه انرا نامان و تحقیق آمل این قلوب محرقه را شاد و مستبشر کن
و ای ظهور در کتب مع و ملاذ رفیع محافظ فرمودی و در تحت سلاسل و اعلا

آمین

کتابخانه حضرت الباقی صاحب کرامت
کتابخانه حضرت الباقی صاحب کرامت
کتابخانه حضرت الباقی صاحب کرامت

در این مهیت را احسان فرمودی و در آتش هیچ حسابی بر او نماند و در آتش شعله را بر او
 نیفت کردی پس برای مقدس امرت را از ظلم و جفای دول و ملوک عالم و من و ملوک
 و در آتش با فضا ان بر زبان سست عنصر حایت و قایت فرمودی و با انواع سخن و بلا
 و اسرت و غربت و غمی و زندان را فعیس لوائت را منحن و مخصر فرمودی حال
 حضرت و عزت است ابواب آسایش و جلال را بر وجه این ستمگران مفتوح کن
 عظمت و سطوت قدیده از انامان تا به انان مظلوم را قوت عیانت کن و مضمحل را
 و عالم ملک را در ظل ظلیل شریعت مقدسات را آور آنچه را با بر انان که با بر انان
 و عده فرمودی ظاهر کن و دعوی الهیه که در کتاب اقدس مظلومان و انعام فرما تویی
 مغرب قلوب کاشف کرب تویی سبب و تویی قاور و تولا علی نفس
 و اویت و جفا بصورت آینه تبدیل است و موج امرت خلیل مساوی امین
 الهی است و ندگر و غنیه نفوس غافلند باید شکرانه نمود و طمأنینه بقصد و حکمت و قدرتی
 صبر و نیکبانی تنگ جنت ملاحظه فرماید که کسان حضرت عبدالبهاستلی هستند
 عالم در لوجی از الراج چه همیشه باید

ای ستمگران ابرزدان عوامان دست تقادل گشودند و ستمگران قوت با
 نمودند کمان کنند و رای زندگانی بلا با تو من احسان الله و تعذیب انما الله و صلح
 انما الله است عیسی نام بطینون افسوس بر تو عالم که این عذاب شد عدالت
 در دست گیری از این سخن مصفی این تو بین نصیر است و این تدبیر کریم

بی غیر تو غیر و این نصیح نماید ایام بگذرد و عمر کرانابه غمی گردد و چون شام اهل
 رخ آخرت بدد جمع را حنا شفت گردد و همه سود نمازیان شود مگر بلاهای باران
 سبب مظلومان و صدمت ستمگرین که در بازار امکان با حضرت طابان سرودا
 بشیند و سود بیکران بردند و ریح عظیم یافتند و عزت قدیم دیدند و ناز و بیم
 ای چون ستمبان از افق ملکوت دیدند طوبی لهم و حسن ثواب قوت ملکوت
 علی طلب است باید و تبدیل و تجدید حقیقت کند ذلت ابرار را عزت باید ارکند و حر
 الطاف کلشن اسرار علقم تلخ اشکر شیرین نماید و شبنم فقر را تم عظیم غلت
 در این آفاق اعلی نماید و شفقت محض را راحت ملکوت ابعی پس شکر حال
 همین در عظیم میر فرمود و حمد رب کریم که چنین نعم عظیم مقرر داشت طوبی لهم
 (صلی العظیم)

ای ابراهیم عزیزم هر چند اقی شرق الیوم بطاهر تاریکت و اهل انصفا در میان
 ای اهل انصفا نصیب سوزانند و شعوب و اخواب نزاع و قال شعول و بدسائس
 ای اهل انصفا ولی بلا و غربت غافل و بلا با و مسائل توفه ترا بده خود کفر فار فی
 در میان سطریت و جانیان مبتلا خسته و مأیوس و تلخ کام نازده این جنگ مائل
 ای ابراهیم در اوج بر جانکه باید و شاید پاک و از آلائش ضعیفه و بغضنا مقدس نمود
 ای صاحب سارک حضرت عبدالبها را بیا و آرید که در حسنیکه ابراهیمی قال و نزاع بین
 ای ابراهیم ای کشته بود و دول و سیاحتون عالم بریم صلح و آشتی آریسته بجا

مویوم خود اساس صلح نموده اند این بیان از لسان اطرش جاری (که هر چند
 بر صفت او راق رجال عالم عقد مصالحه بسته اند ولی قلوب سازانوار صلح و آشتی دور و محسوس
 بر نفیقه البتة ارکان صلح ابدی که نشده شود) این سخن بیان مبارکت که (مکاید سبنا
 در میانست و مناصب خبیه در جولان) امروز بعد از انقضاء چهار سینه ملاحظه نماید که چگونه
 مشاکل سیاسیة و تعصبان جنبه شخصیة و منازعات اقتصادی استمرار بلکه تراید یافته
 و بلاد شرق اقلیم فرنگ از اروپا امریک و قطعه افریک حتی قاره بعید استرالیا
 فرا گرفته نفوس ارواح دول و ملل در این همه آشوب غافل از الیئات و بی تعصبان
 و نیک در شہوت و دوچار صذت و بیایات بجرا بل ببا که برو می در این قرن
 نوزالی منکوت گشته اند و از هر گونه تعصبی فارغ و آزاد و از آلائش جهان پاک و بیزار
 مستتر و آزادند و بیفرج آملی سرور و مطمئن و شادمان
 عالم گویان بیخود و بر شان محتاج این روح آملی است که در نفوس جهاد آملی و دیندار گشته اند
 در این و شران سالیان کنون بنام است که باین نام وصف موسوم و موسوم
 در کل است مسلم مذول و از هم و قد مرا بابت ما بم تا در قیاد و کردار در داخل و خارج
 در میانک و یکتات این روح کنون المیرا دیده بر مود عالم مشاهده نماید و اینها
 که گفتار در روشن سلوک نماید حضرت عبد الباقی نورانی را باید و از جاه طلب
 روی در این و شادت خصیصه تراصل کرد و در هر زمان
 و این مویوم مویوم فایم و مستان است و هر وقت مستان است

مخیل نماید و تا بهار را خزان در بزرگرفته و شفا را بیماری غالب نشده قیام نماید نه
 این مویوم بدایت نفوس بصراط مستقیم معناطین نماید آملی است نفوی که خود را وقت این
 بر نماید در صون خط آملی مستند هر که در این مویوم یک کلمه حقیقت نطق نماید آن کلمه لازماً
 از روح و حرکت خواهد بود و هر که معدوم نخواهد شد
 از خدا الباقی گوش فریب بعید رسیده و چشمهای عالمیان الیوم از وضع و شریف
 است و اینها از اعمال و اخلاق این بندگان بر تو نور حوی حضرت عبد الباقی نماید و از
 در هر کمان تیاج و آثار آن فوه مود در کلمات الیة مشاهده کنید و الا گفتاری
 در حدیث اقدامی الممال از نایدی و مشرف تا شد ای کلی ممنوع و محروم گردد
 و در هر که از ارام و کردار را بهمت بلج و می ستمری شرط و اولت
 می بود و استغناء و استعانة و استمداد از دست هموزاری و در استیلاست
 و محاسبات امرای دول باید ملل فلان ظاهر الشان و باطنی کل و کنایه در
 و تاریخ و از اوستم جمع عزلی ترا بده سیاسی مجرم و در سخن در امران
 در اولت تا قبل کردیم در دست سوسیان در ایم و نه در سوسون داخل
 در سخن اولی در اولی ما بم نفیقه صریح هیچ امری از ما نمایم و هر وقت
 که در سخن دست و وفای استانی غافل شویم که امرای ستمی
 در اولی در محاسبات و منازعات الیة خارج دول و ملل و در
 در سوسان دست و وفای استانی غافل شویم که امرای ستمی

رب عز واکرانت اموات تلاوت نمایم و عامل گردیم و نفوس مستعد را اعلان و القانایم
و در نیمه و ابرایش آن نفس انبیر بدل جان کوشیم با سبانی معوی بتعدیل عالم اطلاق داریم
نه آنکه تنگ بوناسیل ماده بیست و جویم بقوای ملکونی ندریجا قلوب انقلاب و سحر
ماییم و تزکیه نفوس ارواح را منظور نظر داریم نه آنکه در ترویج اسم و شهرت کوشیم
و در فکر کسب مقام و شرفی در این عالم فانی باشیم

ام حجاب این ایام از امور لازمه محرمه و اجماع محسوب حضرت ابوالاعلیٰ در بلدان شرق
علی الخصوص ممالک روس یعنی ترکستان و قفقازیا و اقلیم مصر و همچنین عراق و ایران
و بریه الشام باید مراعات نام از این امر مفروض که بقلم مبارک آنکه گذشته نماید ادنی امر
این اوقات جائزه و تخفیف تبدیلی در اینگونه رسوم و عادات حال مخالف حدود آئین
و رضای مقدس حضرت عبدالکبیر زمان و مکان حال چنین اقتضا نماید و شبیه نیست که نشاء
اجا در این ایام بر حجت و انقلاب که آثار صریح مغرطه ظاهر معلوم گشته و افکار و مسرور
نفوس متعزیر برین کرده و از حد اعتدال خارج گشته نهایت تعبد و موافقت امری خواست
و همچنین مراعات مقام خطرات سحر و اجتناب رجوع بازگشتگان و فریاد که میفرمودند
(اصاحه ما یدر عات و احرام اکار کنند و اکار ما یدر عات و میرانی در حق اصاحه ما یدر
عزایان از حدت و حرمت بران نمایند و بران باید محافظت و رعایت جوانان باشد
این معنی تا در این است همچنان باشد که هر کسی خود را می بیند عمل فکر کند
و در این ایام حضرت سلیمان که در پیش از آن است و جادویده اند و باستان معتقدند

ندست نهند و قلم اعلیٰ بذكر و نقد بر خدا نشان مخزن گشته بر جوانان مبتدیان خرم و حلا
این نفوس مغرطه واجب است و مراعات نشوینی و غریب جوانان بر فداکار فوشین تر و فرزان
یوم یوم آبرزش و التیام و تعاون قلبی و الفت و داد و صمیمی دانی بین تمام افراد اجازت بر و حوا
و قدیم و جدید در اعلائی امر است و ترویج تبلیغ و حکیم محافل روحانیت محبت حال
قدس امی الیوم باید آثارش در نهایت قوت در نفوس اول در اجای الهی و بعد در اول
عالم مشهور و واضح گردد میفرماید (باید باران الهی مجذوب و مضمون یکدیگر
باشند و جانفشانی در حق یکدیگر کنند اگر نفسی از اجاد گیری برسد مانند آن باشد که گشته
این محبت است رسد و با عاشقی معشوق حقیقی خود ملاقات کند)

ملاحظه فرمائید که بچه مقامی حضرت عبدالبهار ایازش را دعوت میفرماید باید عاشق و معشوق
مخرب یکدیگر گردند چه رسد بالفت و مؤانست و مصاحبت و تعاون و تعاضد یکدیگر
اعلائی امر است حال در این ایام فراموشی اگر برای عشق و محبتش قلوب ارواح این مفرقین
فراموشی فراموش گشته وقت آنست که محبت بخاریم تا مصداق و نظیر این بیان اعلیٰ گردیم
و در این ایام محبت و جانفشانی و خدمت بسیاران عزیزان اظهار و اثبات کنیم این
مهر و ریزه امر است در این ایام است محبت و دوستی با عموم اهل عالم از
مستند تربیت آئین است تا چه رسد دوستی و آشنی در بین اجار است
و در این ایام محبت است و در کد عالم شعله زنده و دولت عالم انسانی که گمان
مستند تربیت است و اخوت نوع بشر است تحقق پذیرد و در این ایام

و چون این بیان استوار گردد و سهل بودت و انبوت قلوب یا از امتحان و مریداناید
 و اساس وحدت جمع اهل بهار زمین مستحکم شود باید قدم بیدان تبلیغ نهاد و لسان بیان
 و بیان افانسه بر مان گشوده بهمت و نشاط و حکمت و استقامت و تقدیس و انقطاع
 روز بروز بر اشاعه دایره این جمع افزود حضرت مبلغین باید در نهایت روحانیت
 و توجه و انقطاع از منافع دنیا و از بر تعلق و توقیفی و اسم و شرفی فارغ و آزاد بوظیفه مقدسه
 خود پردازند و عظم و صلابت مقدسه را که مقصود تبلیغ و ندادی امرانسه است با حسنها و
 اکتفا مجری دارند این است آمال قلبیه و نصیحت آئینه و وصایای اخیره آن مرتبی چون
 و مولای شوق که حال از ملکوت تقدیس پیش از پیش در این سبیل منادان امرش را
 نمایند و نصرت میفرماید این است خطاب مجتهدین به جمع باران آلمی
 ای ثباتان بر پیمان این طریقال و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ ملا اعلی نماید و
 بجهان پنهان شناید و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا منقود گردد باید افان ثابته را سنجید
 بپای آتیه که از سدره تقدیس روئیده اند با حضرات ابادی امرانسه علیه السلام و جمع
 باران و دوستان بالاتفاق بشر نفحات اسده و تبلیغ امرانسه و ترویج دین اسده بدل و
 جان قیام نمایند و قیقه آرام گیرند و آتی اشراحت بخند در ممالک دیار منتشر شوند
 و آواره هر بلاد و سرگشته بر اعظم کردند و قیقه نیاسایند و آتی آسوده کردند و نفسی
 راحت بخینند در هر کشوری نغمه با بهای آلامی زنت و در هر شهری شهره آفاق شوند
 و در هر بخشی چون شمع برافروزند و در هر محلی از عشق برافروزند تا در قطب آفاق

افان این اشراق آید و شرف و عزت هم نمیزی نخل غله الله آید و انفحات قدس بوز
 و وجه نورانی گردد و قلوب ربانی شود و نفوس حیالی گردد در این ایام اتم امور
 هدایت اتم است باید امر تبلیغ را مهم شمرد زیرا اساس است انجید
 مظلوم شست و ترویج و تشویق مشغول گردید و قیقه آرام نیافت تا آنکه صیت
 امرانسه آفاقر الحاطه نمود و آوازه ملکوت ابعی غاور و با خضر ایدار کرد باران آلمی نیز
 چنین باید بفرمایند این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت استنان بیان
 ملاحظه فرمایید که این امر نظیر معاش چه قدر رفیع و رفیع است و شرط اطنین بجز صفت
 از اشراف چندی آند و باید ارادت و لزوم و حیا جس قطعی و شدید علی الخصوص در این ایام
 کسبان و غفلت از حق جبار از احیان بار یکد و منقلب نمود که شبیه آزار عصاره صید و میفرماید
 (ایوم حقائق مقدسه ملا اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع باین عالم نمایند تا موقوف بخدیش
 استنان حال آبی کردند و عبودیت عبیه مقدسه قیام کنند) و نیز میفرماید
 (بساط تبلیغ باید وسیع احیان محدود گردد زیرا تا بید آلمی موکول بر آن اگر نفسی جان و دل در
 نهایت محبت کبر تبلیغ امرانسه زبند البته از تائید ملکوت ابعی محروم ماند ولی باید که حکمت
 باشد و حکمت این است که بدارای آلمی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق
 رحمانی و اعمال و افعال ربانی تبلیغ نماید نه اینکه بصفت سکوت پردازد و بجلی
 فراموش نماید) و همچنین میفرماید
 (تخلیف بر نفسی از جای آلمی آنست که شب و روز آرام گیرد و نفسی بر نیارد و بر فکر نشود

تفحات است یعنی بعد از امکان چه شد که نفسی بیشتر بعد از آنجا است نماید و اجناسی که بر این اثر
 نزاد و اعصار و قوت و سناسل کرده چه که از نای اول تنان و تراوف و سناسل در پیش
 بگیرند عاقبت یک نفس مقدس سبب اجساد مزار نفوس شود ملاحظه فرمایند که چه قدر است
 دارد که بدایت یک نفس اعظم از سلطنت است زیرا سلطنت ظاهر در انبای چند نفسی شود
 زایشی و زهری و زهروری و زهری و زبشارتی و زبشارتی زبشارتی و زبشارتی زبشارتی
 ماند اما این سلطنت که بدایت نفوس است دست در آغوش و لبرایدی نماید و انسان
 بر بالین سردی بیاید لذا باید مخلصای روحانی در جمیع بلاد و فرایم آید و فکرش
 این باشد که نفوس بدایت شوند و همچنین با طرف اکناف نفس شرفحات است نفوس
 ارسال شود که طالبان را بسبب آتی بدایت نمایند حتی عبود و مور و نیز سفید است
 مثلا بلادی که در محلات مشکند گوشه ای افتاده بارانی که در آنجا هستند از جانی خبری
 ندارند اگر چنانچه خبری گیرند بالتصادف است حال اگر نفوس عبود و مور و زبشارتی
 و بنابر اشارات الهیه هستند و در هر جایک دو شب باند اخبار ارض مقدس
 و سایر بلدان و دیار را از شرق و غرب بدیند و بحال محبت و خوشی و طرب
 معاشرت کنند این سبب انجذاب و اشتعال شود و نفوس تربیت کردند
 و بشور و دل آیند پس سبب شرفحات شود و علت اعلا کلامه کرده
 تنظیم و انبای امر تبلیغ که از مقام امور است بنقص فاعل محول مجاز روحانی گشته
 و در وقت حاضر تشکیل مجاز و مدارس تبلیغ از برای جوانان و اطفال اجناسی

انسان سبب نقیضات لازمه و تمییز و تدارک اسباب ادنی و منوی از برای نفس منصفین و
 اجناسات منصفین و منصفینان و صدور ترتیبات و تعلیمات کافی و کیفیت
 در عبود و مور و مدت قامت در تقاطع مختلفه کل محول باعضای مجاز روحانی
 بی و قری است تا پس از شورت و مذاکره با نفس مطلق اعضای محول قرار نفسی دهند
 از اجناسی در جان تصویب و نمایند و اجرای قرارهای محول خویش نمایند
 در وظایف مقدسه محول روحانی محافظه حسن حصین امر الله است از منصفین و
 منصفین و ناقصین شایق آتی بر نفسی که ادنی را آنچه که به از احدی است تمام نماید
 محول روحانی خویش در نهایت حکمت در باری اطلاع دهد و اعضای محول بنیان
 سکون و دفعه و محافظه نمایند و آنچه را اصلاح دانند با نفس مقدس ظاهر نماید
 از وظایف محول بعد در تالیف قلوب باران است و دفع علت و از اختلاف و
 است و اغیر از در جمیع اجزاء الله بهر وسیله ای باید بر برودت و کدورت بر برابر روحانی
 نمایند داد و سکون و نمودت را بولد و اشتعال تبدیل کرد
 در وظایف محول اعانه و دستگیری صفوا و مگر او فقر او ایام و ارا مل ایام
 بیار است تا نفس و تنظیم و اداره در حسن سبب است از زمین و نبات و تیره
 از اجناسات لازمه و ادوات کامله از برای ترویج و پیشرفت امر تربیت
 کاتبه و مخاربه و بی ستمی با تقاطع امریه در شرق و غرب عالم بسای و تربیت و تبادل
 از است و حوادث شامریه و توزیع و تقسیم در بین اجزاء الله ترویج امر شرق

انده است و همچنین هشتاد و یک مجتهد امریه از قبیل نجف ابراهیم و غیره
 و بلاد امریکه و ایشیا و اقلیم هندوستان و خورشید خاور و هندوستان
 و جزایر و غیره و همچنین تعقیب و تحقیق و بیان آلمان و پنجم خاور در
 مملکت جاپان است و ارسال مقالات شش در مسایل ادبیه علمی
 روحانیه و تفصیل جریان امور امریه در آن نقطه است تنظیم مجالس و انجمنهای
 ایران است و ترتیب ایجاد و خیافات و تشکیل اجتماعات و محاضرات
 علمی روحانیه جمع و طبع و ترجمه الواح مقدسه آئینه و کتب سماویه و مقالات
 امریه است و انتشار و توزیعش در بین ایران و اماره الرحمن اقدام تمام این
 امور از این بعد باید باطلاع و تصویب اعضای محفل روحانی باشد چه که است
 اساس بیت عدل الهی و مرکز و محور تمام مشون امریه در هر نقطه فی ارتقا طدر
 شرق و غرب عالم
 و چون تقویت و تقدم سریع و مثبت امور محفل که در مستقبل ایام بمیشی صدید و مرکزی
 عظیم خواهد یافت معلق و متوقف بر وجود اسباب ظاهره و وسائل مادیه و
 وسائل مایه است لذا افراد اجتهاد را اعانه و مساعده محفل از وظائف
 مقدسه و جدا بنه محسوب باید در هر نقطه از نقاط امریه که محفل روحانی تاسیس گشته
 فوراً بعد از وصول این نامه صندوق خبریه تشکیل گردد و در تحت اداره مطلقه محفل روحانی
 باشد و جز باطلاع و تصویب اعضای محفل فلسی از آن صرف نکرده و آنچه از اعضای

محفل در ترویج امر تبلیغ و تاسیس مدارس و انجمن مجتهدین و شیخ و انتشار کتب
 الواح و مجاریه و مراسم با اعراف صحیح و دانش از آن مبلغ برداشته صرف نماید اعانه
 این سبیل از احتیاجات ضروریه امر است و از امور لازمه سبب محسوب بعد
 ادای حقوق فی الحقیقه اعظم و طیفه شخص بنام است زیرا آنچه در این سبیل تقدیم گردد
 و صرف شود رأساً ترویج امر الهی است و تعزیر و تقویت امر ربانی ولی این طیفه
 و طیفه مقدسه است و امر بت و صدایی و تکلیفی است روحانی اخدی مجبور بر آن
 نفسی تقدیر استطاعت عرض اعانه فی باین صندوق خبریه نماید و تقدیم محفل روحانی کند
 امر مقدسه عظیم است چه که باین واسطه ترویج امر الهی نموده و حساب تبلیغ فراهم
 در تحت زانعم و تقویت کرده و دائره هدایت و اقدامات محفل روحانی را
 تسلیح داده اگر باران مساعده فی در این سبیل کاملاً متفرقا مستر است باید امر الهی تقدم
 استاری سریع نماید سبب میسر گردد و امده حقوق و نفع نماید فیوضات الهیه را
 تسلیح نماید لازم و مایهات غیبیه را توسط و وسائلی فعال شرط و واجب
 اعضای محفل غیره باید کل بحال همش این امر اقدام نمایند و فوراً تاسیس این صندوق
 مقدسه بعد از محفل روحانی گذارند و آنچه را تقدم نمایند با ترویج امر الهی باشد
 تقدیم امر صندوق محفل روحانی گردد بر نفسی استطاعت اقدام عرض این اعانه
 در محفل تاسیس بنام حضرت امر الهی نموده و دستگیری از ضعف کرده و تبلیغ
 در این سبیل اقدام نموده نماید الهی شامل حالش گردد و الواجب است بر عرض مضمون شود

بر این پایه اعضای محفل خوشتر از تمام امور نایندگان نوین اند و انسانی آفرینند
هر یکی محفل صادر نماید بدل و جان ابر نماید و در نهایت قلوب و رفع احتلا و تبدیل
و خودت را با جذب و استعمال اعضای محفل با ساعده تام و معاونت قلبی نماید با
محافل روحانیه و سید مادی و معنوی تقویت نمود و اهمیت کلمه داد چه که این محافل
روحانی الیوم اس اساس است و محور و مرکز و صایای مقدسه مبارکه تشکیل و بر
این محافل در هر بلده و فریبه و همچنین تاسیس محافل مرکزی در قالیب عالم از مقدمات و اجرای
و صایای حضرت عبداله است تا محافل خصوصی مرکزی مکتبها و مدارس و کانونها تشکیل گردد
و در آن شود تاسیس بیت عدل اعظم که مرجع کل امور و بعضی قاطع آفرین قواست قوانین و احکام غیر
منصوصه در کتاب است مگر چه که انتخابین نفس صریح و صایای مقدسه باید بواسطه بیت
عدلای خصوصی گردد چنانچه میفرماید (یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود
و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید) لئذا احبای الی و اما الرحمن
هر قدر اساس این محافل را محکم نماید و اسباب سیرت و تقدیر را بهتر فراهم آرند
و صایای مقدسه سیرت بر او شود و نوایای مبارکه زودتر و کاملتر تحقق باید و جلوه نماید
از قبل اشاره شد که در بلاد شرق در هر بلده و قریه که عده مومنین از رجال از سن
بسیار بخت و مافوق آن از نه تجاوز نموده محفل روحانی در نهایت روحانیت و صفاد
حکمت و نهانت تاسیس گردد و حضرات امام الرحمن چون امر مجاب این ایام معمول و جاری است
فمنجد فقیه و تمام محافل و انجمنهای ایران را اجازت دهد و اما الرحمن آنچه تاسیس و تشکیل میگردد

کل باید در ظل محفل روحانی آن نقطه باشد نفس محفل روحانی که حضرات امام الرحمن
انتخاب اعضایش حق تعویبت یعنی ابدای رای دارند بگانه مرکز امور امریه ایران از انبیا
نسارت نقد و شریک نقطه از نقاط لازم و جائز است و چون اجمع و موافق است
و احکام غیر منصوصه در کتاب آفرینی بیت عدل عمومی که بعضی آفرینی باید بین بلاد و اقطار
انتخاب مصطلح در بلاد غرب تشکیل و انتخاب نمایند تاسیس گردد ترمیمی جدید و قانونی محکم
و متین و مشروطاتی کامل تشریح نماید و تاسیس کند و تمام انجمنهای ایران چه خصوصی چه
عمومی چه داخلی چه مرکزی کل در ظل آن و مقتضای آن و موافق آنند حال مجاز آن
بیت عدل عمومی تشکیل گشته محافل روحانی ایران در شرق و غرب عالم باید من دون
استثنای سالی در یوم اول عید سعید رضوان تجدید شود و انتخابات در آن یوم
سازگن باید در نهایت شانت و روحانیت شروع و اجرا گردد و اگر ممکن همان یوم
بهر انتخابات معلوم و اعلان شود و اصول انتخاب از این قرار است چون یوم
انتخاب رسد باید جمیع ایران متحداً شفقاً متوجهاً البتة منقطعاً عن دونه طالبان
انتخابات این فصله بدل و جان اقدام با انتخاب نمایند و انتخاب اعضای محفل روحانی
در این امر و طایف مقدسه همه و حدانیه خود شریک اند از اعمال در این امر گنبد
در هر بلده و قریه و شهری و محله و همچنین هر چه در آن است متعارفند بلکه در
انتخابات و حدیث و سرور ابدای رای نمایند و عضویت محفل را قبول نمایند
و اگر کسی از حدیث شریعی موجود و هیچ مکن از وقت امام را نام نماید و لکن

اما از من نفوسیکه اطلاع کافی بر امور امریه نداشته باشند مجبور و مکلف بر ابداً زای
 در صورت اطلاع اقدام باین امر محبوب و لازم و الا فلا و باین آن نفوس که خالصاً
 لوجه الله مستعد و قابل عضویت محفل روحانی دانند بر ورقه علیحه اسماء نفرار
 باین راسم دون امضا بکارند و مکتوم دارند و تسلیم محفل روحانی حایه نمایند تا
 این اوراق جمع گردد و آن نفری که پیش از همه دارای اصواتند اسماء آنان اعلان شود
 و این نفوس اعضای محفل روحانی گردند و اگر چنانچه در نقطه فی از نقاط امور امریه
 اشباع یافته و طایفی که در طی این نامه قبلاً درج شده یعنی از تبلیغ و محافظه امریه و
 خدمت در تالیف قلوب و معادنت مجامین و تشکیل مدارس و تربیت محافل و مجالس
 و محاربه با اطراف و نزدیک امر شرق الاذکار و تاسیس محلات امریه و طبع و نشر و غیره
 الواح و نشرات امریه و ماشا الله محفل روحانی مرکب بر اصول مجتهد مخصوص نماید
 و آن مجتهد را خود انتخاب کند و عده اعضای بر مجتهد بر قدر محفل صلاح دادند تعیین نماید
 و اعضای مجتهد را از زمین تمام اجساد آن نقطه چه در داخل محفل چه خارج از آن انتخاب نماید
 و تمام مجتهد مرکب انکار را در امر خود ضروری بود طبقه خود مشغول گردد و تمام مجتهد در ظل
 محفل روحانی و مشغول و طبع آن کیفیت انتخاب است و هر مجتهد بعد از اعضای
 محفل روحانی ولی چون محافل روحانی مجتهد شود تمام مجتهد مشغول گردد و محفل مجتهد نماید
 مجدداً انتخاب نماید

و اما تشکیل محفل مرکزی در هر قلمبر که نمایند تمام بایران و محافل روحانی آن قلمبر است

نیز از تمییدات لازم و اجزای و همایای مبارکه حضرت عبدالباقر محبوب در بلاد غرب
 نظیر ایالات متحده امریکت و مملکت انگلیس و اقلیم آلمان اجبا، الله تعالی موفق بر تشکیل محفل
 مرکزی گشته اند علی الخصوص قاره امریکت در ایام مبارک حضرت عبدالباقر اساس محفل
 مرکزی نهاده شد که در ششون روحانیه امریه بایران امریکت علی العموم مذکوره و مشاوره نماید
 و محافل روحانیه تمام نقاط امریه ایالات متحده را بسکد گیر مرتبط و متفق میگردد ولی
 تاسیس و تشکیلش در این ایام در صفحات شرق منوط و متوقف بر وجود اسباب و مراعات
 حکمت و مقتضیات زمان و مکانست در اقلیم مبارک بایران اقدام باین امر عظیم
 بر تمام محفل حسب القانون در این ایام حاضر صحبت و مشکل و از وجات احوال خان معلوم
 میگردد که مخالف حکمت و منافی راحت و آسایش و امنیت بایرانست در هر حال
 در آن عده بایران در آن اقلیم جلیل از حد و احصا خارج و روز بروز در زیاد است تربی
 مخصوص و قانونی مناسب حال آن اقلیم که اساساً مطابق ترفیع عمومی ولی در تفهات
 مختلف است لازم و واجب انشاء الله جداگانه و مستقماً دستور العملی رایج کیفیت
 انتخاب محفل مرکزی بایران آنسان ارسال خواهد شد و اگر چنانچه تشکیل محفل مرکزی
 آن اقلیم در عده تاخیر افتاد باید محفل روحانی خصوصی بدین نمونه طرز العملی محفل
 مرکزی بایران دستور ششون عمومی امریه که متعلق بقطره بایران است آن محفل محمول
 در محفل اقلیم نماید یعنی خادم سایر محافل روحانیه در آن اقلیم دانست
 از جمله قلمبر دیگر در صفحات شرق از جمله قلمبر هندوستان و قفقاز و ترکستان

و اقلیم

و غیر مصروفین آخرین نکته است شاید به حساب ۱۰ سال ذمه آید و همی ضرورتی نیکی
 امر الله وارد نگردد و فتور و تاخیری در جریان او و امریه حاصل نشود خوبست که ایران و
 اما از آن بالاتفاق بنیابت همت بنیکیل محفل مرکزی خویش اقدام نمایند
 و ترتیب انتخاب محفل مرکزی که اصولش در الواح حضرت عبدالهبار و وصایای مبارکه و ضحای
 منصوص است از این قرار باید سالی یک دفعه در هر اقلیمی علیحدّه عدّه وکلای انتخاب شود
 و این وکلار افراد اجازت محافل روحانی انتخاب نمایند و این وکلار از این اجازت
 در تمام آن اقلیم نه نفر انتخاب نمایند این نه نفر اعضای محفل مرکزی آن اقلیمند یعنی
 اعضای محفل مرکزی منتخب منتخبینند و حضرات اما از الرحمن مانند محافل خصوصی
 منتخبند ولی منتخب و چون مجاب مانع است فقط وکلار را انتخاب نمایند و این
 وکلار در شرق شخص بر حال است یا آنکه در نقطه جمع شده و یا بواسطه مکانیه و مراسد
 نه نفر که اعضای محفل مرکزی هستند انتخاب نمایند اگر چنانچه وکلار در نقطه جمع شوند
 و در امور امریه مذاکره و مشورت نمایند احسن و انبساط ولی این منوط به تقاضا
 زمان و مکان است و شروط بوجود سباب و وسائل اگر حال ممکن نشود انشاء الله
 در مستقبل ایام با سخا و اتقنا بسر شود و ممکن گردد
 و اما تعیین عدد وکلار در اقلیمی که عدّه یاران بحال از دبا و کلی بنا فیه مانند اقلیم مصر و عراق
 انتخاب نوزده عدد وکلار کافیت و هر نقطه از نقاط امریه سی از این نوزده بحسب تعداد
 اجازت در آن نقطه انتخاب نماید و در اقلیم دیگر مانند هندوستان و قفقاز یا در کستان

چون عدّه یاران بنیابت است نو و پنج عدد از او عدا انتخاب نمایند و این نوزده نفر
 از این تمام یاران آن اقلیم نه نفر انتخاب نمایند و آن نه نفر اعضای محفل مرکزی هستند
 انشاء الله بوجه و نماید و بهر یک از آن اقلیم چون احوال و اخبار از دبا و کلاما با خبر
 رسد نفرات این ترتیب استقیما بطریق بهر یک از آن اقلیم ارسال خواهد شد و
 این محفل مرکزی مانند محافل خصوصی باید بهمان ترتیب بجهت مانی مخصوص انتخاب نماید و بهر
 یک و طبقه فی معین مجول نماید و در خاتمه کل عمومی و راجع بصلحت لیجان در تمام
 آن اقلیم است مخصوصا بموضوع نقطه فی از نقاط امریه و تمام محافل خصوصی در
 اقلیمی مثل محفل مرکزی خویش و طبع و منقاد امر آن است به امر می که راجع بصلحت لیجان
 در آن اقلیم است و نفس معلوم بهایان در آن اقلیم هیچ باید در تحت اداره محفل مرکزی باشد و
 بجهت از بجهت های این محفل مرکزی مجول شود تا در نهایت اتفاق اجرا گردد و سبب غرض و مقصد
 امر الله شود

و چون عدّه یاران در مدینه طهران بیون و غایت برکت آینه تراب اقلیمی فایده اگر چنانچه
 محفل روحانی عالیه آن مدینه صالح و اند کیفیت انتخاب محفل خصوصی آن مدینه را مشاهده و
 مطابق کیفیت انتخاب محفل مرکزی نماید یعنی اعضای محفل خصوصی طهران را
 انتخاب نشود بلکه اجازت اول وکلای انتخاب نمایند و این وکلار از این تمام اجازت
 در مدینه طهران نه نفر انتخاب کنند این نه نفر اعضای محفل روحانی خصوصی طهران
 در همان شود بشود و بنین تراست و این نظر کبریت عدّه اجازت آن مدینه است

والا سایر نقاط امریه اعضای مجلس رهمنان منصفی را ساجاتجاب شوند ولی
 محل ایزی مسد اقلیمی بخش مبارک منتخب منتخبین است
 برای این اقدامات و تاسیسات بجزند از تاسیسات منته و مشروعات لازمه
 این ایام محسوب ولی زینهار زینهار بدین واسطه امر مهم تبلیغ تعویق گردد و در
 ترویج فطرت الله و بت تعالیم الله تعطیل و فتور حاصل شود یوم یوم ترویج است
 و بنکام حکام نصرت و تبلیغ این خطاب روح دیننده حضرت عبدالبها
 بیاورید (ای بنندگان آستان مقدس جو دلا اعلی در اوج علا
 صفت بسته و مینا و نظر و مترصد میدان و فارس عرفان که بجز جولان
 نصرت نمایند و تأیید کنند و قوت نظر گردند پس خوشحال فارسی کسب
 جولان دهد و طوبی از برای دلیری که بقوت عرفان در میدان بر مان نیارد
 و صف جیل برد و سپاه است شکست دهد و علم بدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد
 الحق انه لغی فوز عظیم و ظفر مبین وان ذاهو الفضل البدیع والبهاء علیکم باجاء الله القیم
 نفس این نادر این اوان نامم از عالم بالا از حضرت عبدالبها بگوش سپاهیان در ملک
 ادنی واصل دنگت دیگر مکن و ناقل عاجز نیست میدان وسیع است و سپاه
 مینا یقین است که موفق خواهیم شد ۲۷ شعبان ۱۹۲۳ / ۱۱ رجب ۱۳۴۱

بنده آستان شونی

فرزاد بزرگوار حضرت عبدالبها پیر شانه حکم بردار استغفار تو ۲ نور و برج صحت ۱۳۰۲

رومی محبتکم و وفاکم الهدای فی اعینة و سبمان الهمی و اما زمان و این ایام
 بر چند آتش همان شعله و پریشانی و انقلابات در تمام نقاط و جهات بر عالم
 امکان استولی ولی چنان فانی ظاهر نموده و حمت و اقدامی فرموده که این سخن
 آتش فراش تسلیم هستند و این قلوب متحرقات ایمان تسکین یافته اند در این ایام
 عالم وجود در مملکت عظیم افتاده و از اعماق قلوب ندای نجات و استخلاص اثر
 این مخاطب مرتفع قلوب پریشان است و نفوس تشنه تا یقین صلح و سلام
 و از روح از تنایخ و نیمه و مضرت مملکت ضعیفه و بنضا و ظلم و جفا و حقد و حسد
 شمرند در عذاب است و عموم از امتداد جنگ و جدال و حرب و قتال بسته
 زمان از حریت مفرطه و تضعیف و ذلیل قوه دیانت هر چه در روح و باطن
 در رکاب سپاسیده و منازعات اقتصادی و مشکلات جنسیه افزوده بر
 از امر الله هیچ امری و هیچ قوه فی این مفاصله قویه را اصلاح نماید و جز تعالیم سماوی
 در زبان طوبی بدیع کلاما از شما مشیت الهی ازل گشته این علل و امراض مزمنه را
 بپناه بد پس اجبای الهی که ساد بان این امرند و ناشران این تعالیم باید ایوم
 اعمال و کردار و رفتاری در بین عموم ظاهر شوند که نفس اعمال غافلانه را تبلیغ نماید و
 سخنان طالبین بخار ابدیت کند چه بسا از لسان اطهر میانی شنیده شد که اگر در
 راه او اجبا باجرای یک تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و محرومیت و استغفار
 نام نماید و در تمام شئون حیات خویش این یک تعلیم را منظم نظر داشته و آنرا اجرا نماید

عالم

در این ایام محبتکم و وفاکم الهدای فی اعینة و سبمان الهمی و اما زمان و این ایام
 بر چند آتش همان شعله و پریشانی و انقلابات در تمام نقاط و جهات بر عالم
 امکان استولی ولی چنان فانی ظاهر نموده و حمت و اقدامی فرموده که این سخن
 آتش فراش تسلیم هستند و این قلوب متحرقات ایمان تسکین یافته اند در این ایام
 عالم وجود در مملکت عظیم افتاده و از اعماق قلوب ندای نجات و استخلاص اثر
 این مخاطب مرتفع قلوب پریشان است و نفوس تشنه تا یقین صلح و سلام
 و از روح از تنایخ و نیمه و مضرت مملکت ضعیفه و بنضا و ظلم و جفا و حقد و حسد
 شمرند در عذاب است و عموم از امتداد جنگ و جدال و حرب و قتال بسته
 زمان از حریت مفرطه و تضعیف و ذلیل قوه دیانت هر چه در روح و باطن
 در رکاب سپاسیده و منازعات اقتصادی و مشکلات جنسیه افزوده بر
 از امر الله هیچ امری و هیچ قوه فی این مفاصله قویه را اصلاح نماید و جز تعالیم سماوی
 در زبان طوبی بدیع کلاما از شما مشیت الهی ازل گشته این علل و امراض مزمنه را
 بپناه بد پس اجبای الهی که ساد بان این امرند و ناشران این تعالیم باید ایوم
 اعمال و کردار و رفتاری در بین عموم ظاهر شوند که نفس اعمال غافلانه را تبلیغ نماید و
 سخنان طالبین بخار ابدیت کند چه بسا از لسان اطهر میانی شنیده شد که اگر در
 راه او اجبا باجرای یک تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و محرومیت و استغفار
 نام نماید و در تمام شئون حیات خویش این یک تعلیم را منظم نظر داشته و آنرا اجرا نماید

عالم عالمی دیگر شود و ساحت بفرج جنت باقی گردد ملاحظه نمایند که اگر اجای الکی کلا فردا
 و مجتعا باجرای و صابا و نصاب قلم اعلی قیام نمایند چه خواهد شد امید این عبد آستان
 دعای این بنده تا توان آن است که آن یاران که چنین الطافی در حقشان در گذرشته
 ایام مبدول گشته و چنین نفوس جلیله فی ازمیانشان قیام نموده تبلیغ امر الله نمودند
 و بشهدت استقامت ایوم بهمان روح الکی معیوث شوند و بجان و دل بکوشند
 تا عده های کامله و بشارات قلم اعلی بیکت تحقق یابد و این عالم ناسوت از شر
 اختلاف و تعصبات زمانی یافته در ظل ظلیل شریعت الکی وارد گردد و بر آ
 و آسایش حقیقی فار شود ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۱ بنده آستان شونی

بسم الله الرحمن الرحیم
 این کتاب در بیان فضائل حضرت علی علیه السلام است
 و در بیان صفات او و در بیان احوال او و در بیان
 احوال او و در بیان احوال او و در بیان احوال او

یاران و یاوران حضرت عبدالبار و برادران و خواهران روحانی این بنده استانرا
 همواره در جوار این بقاع علیا جلوه فی جدید و استقامتی شدید و شور و هیج
 در ترویج و خدمت امر الله از عین مقدمه مستدعی و سالم و بشارات متواصله را از
 آن صفحات مبارکه در نامه های آن عزیزان مقطر و شتام از آن اماکن مقدسه انوار
 بفر ظهور الکی میسد و اولین ندای امر الله مرتفع گشت آن بده طیبه مصدر و
 منبع فوضات البینه شد و بد قدرت اساس این بنیان رفیع را اول در آئینه جلیله بنا
 از آن شطر مبارک بشارات یوم جدید بکوش قریب بعید و میل گردید و سلام
 ظهور امر جان از آن سامان اضمح و جان شد حضرت بهاء الله روحی المصطفی الا نور قد آ

کرارا

کرار که در اینها ما... الراجح محکماتش صدیره نور صفایان را نمود و فوجات
 روحانیه و تزییات کایه آن عزیزان و عده فرموده و به لای عزیزان حضرت علی
 نظر شفقت غایتش از انجم باز داشته بنو جات مخصوصه و تملقات قلبیه و
 تسویقات متابعه محافظه و تربیت فرمود حال وقت آن است که بهشتین
 شجره مبارکه که آئینه حضرات اقصان و وجه بقا و قدما را اجا و جوانان مستعد پراهمام
 انصفیات و سایر یاران و امارت من آنش محبت الله شعله زند و قوه امر حضرت
 بهاء الله ظهور و بروز می نماید آن نغمهای افشاده از ارغوانی قلوب انبات نما
 و آن دما مسفوک در سبیل امر الکی نتیجه و ثمری بخشد شبیه نیست که در این ایام که
 آشوب و انقلاب و هرج و مرج آن افیلم را فر گرفته اجای الکی باید در تبلیغ امر الله
 و انعقاد مجالس و مجالس و صحبت و مذاکره با مبتدین نهایت حکمت و بردباری
 و موشیاری و ملاحظه را محرمی دارند پرده در پی بچوخته نمایند و از خدا عذرا
 خارج نگردد امور روحانیه امر الکی بکلی محفل روحانی خویش رجوع نمایند و نهایت
 اتمه و اعتماد را با اعضای محفل شوره داشته باشند و اعضای محفل تمام قوی و نهی
 همرد و صفا و خلوص و بهمت تمسیت امور پر دارند بمصالح و امیال شخصی خود ناظر نباشند
 محافظه امر الله و توقیر و تحلیل آن در انظار مردم سعی بلین منظور دارند این همچنان
 مطرب هیچ شبهه نبوده با من و امان و راحت و الطمنان و ارتفاع امر الکی و
 از نصرت اجا و تدبیل و پریشانی اعدا ببدل خواهد گشت باید کل در اعتماد و

تکمال

انحال چون جبل راسخ باشیم و در اظهار عقائد امر خویش بهوشیار و بیدار این مظهر
 مظهر بود را بام مناسبتی گردد و حکمتهای الهی احدیه من بعد مکشوف و واضح شود
 خطه ایران علی الخصوص مدینه نبی را سرپا روشن و منور گردد روح عالم امکان
 وند مطاف عالمیان گردد و نازده عشق را بر افروخته در قطب افاق ندای با
 بهار الابعی البسم جهان و جهانیان رساند حال وقت استقامت است
 و عمل موجب نصاب ربانیه نشوین و تخریب بر تبلیغ است و استغناء و استمداد
 از حق قید از آنکه دورت و اغبر است و تشدید و ابطال و انحال
 حقیقی در بین اجناس است آرزو و تمنا و دعای این عبد از عبته مقدمه و شبهه
 نیست که آن یاران این عبد تا توان را بهترین مساعد و ظمیر در این امر برود خواهند بود
 ج ۲۴ ص ۴۱۸ ک ۱۰ بنده استانش شوقی

موجبین منظر اصلی و مقببین انوار مشرق جمال ایمی را در این بقاع علیا اکتشافاتی
 جدید و تجلیاتی بدیه و اقداماتی کلیه در ترویج و تعمیم تعالیم حضرت ببار الهی
 و نشانه جدیدی و ظهور و بروز کاملی در میدان امراتة طلبم عالم امکان با یوس و انوار
 باید در این عصر مجید بهایان عالم علی الخصوص ایران شرف بروج ایمان نفوذ آید و جدید
 امکان دهند و بقوه روح القدس این ضعف و ناتوانی را بصوت و توانائی تبدیل نماید
 دول و ملل عالم بجدال و خونریزی و قتال مشهور و آلف و معنادگشته بساط صلح و
 آشتی دائمی حقیقی را بید المرام بگردد این عصر و قرن ممنوع و مستحیل پذیرند بوم بوم اجابت

در خطه سراسر دنیا
 در خطه سراسر دنیا
 در خطه سراسر دنیا

ک
 ۲۲۷
 ۱۶۹

که بقوه بیان و اعجاز و اثبات آثار مبارکه اولین انوار شفق صبح خیا و مؤید اید
 جنگجویان و مایوسان عالم بنایند و باظهار و شرح و وعده های محکم و بشارت های
 از دینت تا بیس نسل اعظم را بنکرین و معترضین بدلائلی مقننه اثبات نمایند
 افراد بشر در شرق و غرب و جنوب و شمال چنان خائفند که محو و از الة تعصبات قومی
 مترایده عالم را بهیچ وجه قابل الاجراء ممکن الوقوع ندانسته تا سنس عصر طلایی موعود
 مطنون و موهوم شمرند روز روز یاران حضرت عبد البهاس که با اعمال
 و رفتار و گفتار و کردار تعالیم سادیه را کفایت یک در جبات خویش محترم نمایند و
 یک شیر انصر مشعشع نورانی گشته نذاب قرب وقوع آن یوم مبارک نمایند و تردد
 و انکار و اعتراض ادیون عالم را با یقین و اقبال و توجه نام تبدیل دهند این است
 اولین وظیفه بر شخصی که خود را نسبت بر حضرت ببار الهی دهد و این نام مقدس
 مبارک در میان اهل عالم معروف شود و الا اگر کردار عمد و ثبت گفتار نشود روح
 از نفوذ و تاثیر بازماند و از جلوه و شکوه ممنوع گردد در این سبیل نیت موفور شرط
 اول است و هر صبح و شام بگردد بر دقیقه و آنی استمرار جدیدی بیخ لازم و واجب
 اگر کسی در کوشش سهول گردد و صبر و شکیبائی و ساداری و بهوشیاری از نظر خود
 و بدعا و تضرع و استغاثه و استعانه از ملکوت الکی منضم گردد شبهه نیست که تائید
 پدید پی رسد و بهایان من جمیع الوجوه چنان ممتاز از سایرین و فائق بر رجال
 عالم گردند که ندای اسم اعظم عالمی را مجذوب نموده از وضع و شریف کل ساجد و خلق

این
 ۲۲۸

این امر رحمانی شوند و سلطنت ظاہرہ باطنہ حقیقتہ حضرت بہار اللہ را بچشم سرور
بیند که چه نخب بر نام طبقات عالم مستولی گشته و نشئه حیات صفتی در روح ابدی
دارگان عالم میدہ چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود بزودی زود
بدون فتنہ و تاخیری جلوہ گر گردد چشم روحانیان تحقق و موعود الهیہ منور شود
هر یک از این حزب مظلوم عزیز دہ عالم شود و سرور جهانیان گردد و جیش الهی
بفضوحاتی روحانی و ابدی فائز گشته مظهر و منصور شود و در حق آن ایران از
اعصاب علیا فراغت و آزادی ارشسون نیاخواهم تا در نهایت سکون و آسایش
تمام قوی در پیشرفت مقاصد روحانیہ و اتساع خدمات امر بہ قیام نمایند و
موفق گردید نظرش شامل است و الطاف و تائیدش کامل تا بہمت اجابہ نماید
و تنہای افشا نہ بد عنایت حضرت عبدالبہار در این سنین متوالیہ از اراضی
قلوب آن ایران بچہ قوت و سرعتی انبات گردد و نشو و نما کند شبہ نیست
کہ ہر یک از آن مدعوین مادہ رحمانی و مختارین ملکوت الٰہی جمعی را در ظل ظلیل
کلمتہ اللہ وارد خواهند کرد و صبت امر مبارک را در آفاق مستتر خواهند
ساخت ولی آنچه را این عبد استعدا و نما نماید همانا وقایت و حفظ
امر اللہ است و مزید موفقیت ایران الٰہی تا بسچو چخل و فتوری در پیشرفت
امر اللہ حاصل گردد و من دون تأخیر در نهایت قوت و سرعت و اجبت و
جلال تمام مقاصد و آمال و تائب بندگان جمال الٰہی در این عالم وجود تحقق یابد

شبہ
۴۴۹

و شبہ نیست کہ با نژاد عتیقہ خالصہ آن وجودات مبارکہ و جان نثاران و خادمان عتیقہ
مقدسہ این عامفرون باجابت گردد و این غیوم ستر کہ روزی منگاشی گشته
اشعہ تائید پذیرلی اشرافی شد بد در ارواح و نفوس یابد و نصرت محو نہ حضرت
بہار اللہ را بر عالمیان واضح و ثابت گرداند ۱۳ اک ۱۹۲۳ / ۲۵ ج ۱۲۲

بندہ استائن شونی

در یکم روحی و فوادی با اجار اللہ و امثالہ در این صبح بیا در آن نفوس خالصہ
مخلصہ و نادبان امر رحمانی در آن صفحات فقام بقی طایف از محبت و شوق
فلم بر گشته تا احساسات و عواطف قلبیہ تبعید نیست آن دوستان عزیز
در یک معین و طیر انبغالی در ترویج امر الٰہی مستند ابرار و اطفال نامیم
در محراب محابره ظاہرہ تاخیر و فتور حاصل گشته ولی ہموارہ قلبم بر الوالی و عالم
تبعید آن ایران بودہ و جان دہ و نامم بگردشگر آن جیبان مہم و مایوس
این ایام ایام انقلاب است و علام و شاعر شارات موعود و در کمال
روز و طور زمان المیزان است و اولیات محبت و استقامت
و افسوس ہر قدر این عالم تاریکتر گردد و اوج سیر مجاہدات و مبارزات
الٰہی و نژادی و اقتصادی عظیم گرازد و بر این سیر مجاہدات و مبارزات
الٰہی و نژادی و اقتصادی عظیم گرازد و بر این سیر مجاہدات و مبارزات

بندہ استائن شونی
در این صبح بیا در آن نفوس خالصہ
مخلصہ و نادبان امر رحمانی
در آن صفحات فقام بقی طایف
از محبت و شوق فلم بر گشته
تا احساسات و عواطف قلبیہ
تبعید نیست آن دوستان عزیز
در یک معین و طیر انبغالی
در ترویج امر الٰہی مستند
ابرار و اطفال نامیم
در محراب محابره ظاہرہ
تاخیر و فتور حاصل گشته
ولی ہموارہ قلبم بر الوالی
و عالم تبعید آن ایران بودہ
و جان دہ و نامم بگردشگر
آن جیبان مہم و مایوس
این ایام ایام انقلاب است
و علام و شاعر شارات
موعود و در کمال روز و طور
زمان المیزان است و اولیات
محبت و استقامت و افسوس
ہر قدر این عالم تاریکتر
گردد و اوج سیر مجاہدات
و مبارزات الٰہی و نژادی
و اقتصادی عظیم گرازد
و بر این سیر مجاہدات
و مبارزات الٰہی و نژادی
و اقتصادی عظیم گرازد

سبیل اهلی امراته منوط بتوجه استعانه مستمری آن نفوس انوار الطاف
 و مشروط به رعایت حکمت و تولید ارکان شورت و البت قلوب درین اجبا
 احمده که در این ظهور بدیع الواح و انار الحیه راجع بامور اصلیه و فرعیه جزئیه و کلیه
 علمیه و فیه مادی و ادبیه سیاسی و اقتصادی جهان عالم را احاطه نموده که شبیه
 از اول ابداع در هیچ نظری از مظاهر قبل و هیچ عصری از اعصار خابره دیده و شنیده نشده
 شخص سانی اگر توجه نام باین آثار مقدسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سواد کند
 و معانی دقیقه و حکمتهای بالغه مودعه در هر یک را بدقت و ملاحظه از ان استنباط نماید
 از بر محنت و مشق و تعب و زحمت و خطر و وبالی و وزن و کدگری و درجات مادی ادبی
 و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند و قن آن است که نور این تعالیم کافیه باشد
 که کافل نجات و اخلاص این عالم پر اختلاف و ظلمات است بمقت آن جسیان و
 استعانت دوستان و حکمت یاران و خلوص جانفشانی اجبار بر عالم بشر
 بر توی شدید افکند و این سبب است عالم وجود را اجناس تبدیل نماید و این اضطرار
 و دشت و روح انتقام و ضیغه و خوف را که ارکان عالم را بر لرزیدن نموده باطنیان
 و راحت دل و جان او حجب و دوداد و الفت و التیام و اخوت صقیفه تبدیل نماید
 تا مر جلیل حضرت بنیاد است بر دانه انداخته و لوله و آشوبی در قلوب ارواح اندازد
 و مرت سلیل و کسر و لغت و وصف حال ای آفرین حضرت خدا عالم کون را

ساخته تا بنا تکبیر باید و نوای ملکوت بر ممالک و افراد بشر مستولی گشته این فطیه
 زمین بگزاره بهشکن کرد پس ای بیدار بیدار بچو روز مبارکی در نهایت شور و هیبت و
 توکل و اعتماد قیام بر شرف نجات نمایم تا بقصد اصلی فائز گردیم و امر الهی با تمام قوا
 نصرت نمایم و بشا به جمال اقدس ای و خور لقای مولای جنون حضرت عبداللہ
 با جو و ثوابی جزین در ملکوت ای فائز و مائل گردیم هر دم منتظر بشارت روح انبیا
 از آن نوحی و صفحات بوده و مستم و بیاد آن مساد باین امر الهی در این جوار
 مقدس انوس و مالوف ۱۳ ک ۲ / ۹۲۳ / ۲۵ / ۱ / ۱۳۴۱ بنده

استانش شونی

مرد و نایب و تائیدات غیبیه جمال ای که این حزب مشتت مظلوم را در
 این همه و آشوب محافظ فرمود و نصرت بخشید بساط اعدای امر را در هم پیچید
 و زلزله بارکان آن مجربین بنیان الهی انداخت استضعفه ابد وجود از انظلمات
 بپرسیدل کرد جنبش و حرکت مذبوط اهل نفی و فساد را بچودت و موت ابدی
 تبدیل داد آنچه را در حق آنان وعده فرمود ظاهر و عیان کرد و نور هدایت و قوه
 مستوره روح مقدس را بر برزخانی کشوف و بر من فرمود پس چرا خاموش نشیم چون
 دانده و بچو در راه و صبح بکام خدمت و نصرت است و ایام ایام استقامت و جانفشانی
 سبیل امراته تقدیرات الهیه را جز آن عالم غیب و شود و بچو در اند و آنچه را آینده
 در دست خیر شود در ساند هیچ نفسی از پیش واقف کرد و ولی شکر آن مولای حافظ و ناصر را

تجارت الهیه و انوار الهیه
 از جبهه و در بیدار شدن
 نویسنده و سال انتشار
 مجاور طاعت

که بومده عالی روحش جان فلوب این خسته دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر سخن و بلا یا و
 مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب قباغض و اعدای مهاجم در حال ظالم
 هذر وارد کرده ادنی عباری بر خاطر نورانی باران حضرت عبدالبهائم نشینند و غموم
 نظیر حیرت و آسردگی انوار آیتد و الطیمان را از ظهور و اشراق در فلوب صافیه
 اجناسع نماید حضرت بهاء الله در این معرکه عظمی که عالم وجود را بگرفت آورده از افق
 بهایش نظری نداخته با سنگی ملکوتی سادبان امرش اخطاب میگراید و بزرگم من افق
 الاهی و تضر من قام علی نصرة امری بجزود من الملائ الا علی و قبیل من الملائکه المقربین
 آن صیش محرم باید ممد و ناصر و طیر این آوارگان است و قوای او در عالم آریباید
 جود طلا علی محروم و ممنوع هیچ نیانی اساس سسوز کرده و باقی در بر قرار ماند
 که بیان الهی و هیچ امری در عالم امکان ترویجی ابدی و قیسی الهی نباید مگر آنکه مستعد
 قوای روحانیه گردد و اساس مبنی بر تعالیم امر الهی باشد لذا بر سطوت و سلطتی
 در و بزوال است و هر شوکت و جلالی عقرب محو و فراموش گردد ولی این صده
 معده وده اجا که بحال کلام و بیانشان از حوزة محدود و خویش خارج گشته و بر احوال
 عمومی عالم استولی شده چون سستد بر تعقیبات روحانیه اند و مصدر اقدان
 در نا نشان قومانت آیت است استقبل نام نماد و یکبار دوزی گوی سستد
 در شان نام حال عالم حار است در سلطتی الهی از الفنون و الاعصار شکل
 سستد که در سال اول کرامت است و سستد کام سستد الهی

حکمت باید بجز محبت الهی که در ارضی فلوب کشته شده سقایت کرده و از غم و صنف
 شدیده این ایام و باد های مخالف نفس و بهوی محافظه شود و انفسی میگراید و نماید
 بنماید قوله الاعز الاعلی و اما سسکت من الایة الموجودة فی سفر و انبال
 طوبی لمن یری الف و ثلاثا و خمسة و ثلاثین بذانسه شسبه لبست بخریه
 لان بذک التاریخ بقضی قرن من طلوع شمس الحقیقه و تعالیم الله تمکن فی الارض
 حق التمکن و تملا الانوار مشارق الارض و مغاربها یومئذ یفرح المؤمنون
 این کلمات معده مبارکه که اوضح من الشمس است و مصرح و نوکده فی تحقیق اهل
 بهار کافی است که شعده آیتد و الطیمان را در فلوبشان بفروران آرد و آن روز
 فیروز را در انظار جلوه تام دهد روح جدیدی بقوس بجشد و قوه کاملی در نیتد
 این یوم مبارک بان باران بجشد حال وقت همت است و زمان استقامت
 و تکمیل تعالیم الهی و بیج سسون و احوال ۱۳ ک ۲/ ۲۳۳/ ۲۵ ج ۱/ ۱۳۶
 بنده استانش ثوقی

افدکم بروحی یا اولیا الله واجتانه هر چند انبید آستان در این جو استخیر و از
 آن ما کن منوره دور و مجبور ولی چسبا او فانت که قلب روان بیاد و سنان
 آن قطعه نور آهسته و بذکر و فکر محبوبان آسانان بالف و شعوم نهایت آمال و
 آرزوی دل و جانم زیارت آن مبط انوار است و طواف مسقط رأس مبارک
 جمال قدس الهی نشرف آن خاک نابناک است و سیر و مرور بر آن اودی و جبال و

انفال
 ۲۵۲

نظایر این کلمات را در کتب معتبره
 در تفسیر قرآن کریم و کتب معتبره
 در بیان معنی کلمات الهی
 در بیان حقایق کلامیه
 در بیان اسرار الهیه
 در بیان اسرار کلامیه
 در بیان اسرار معنی
 در بیان اسرار کلامیه

باورانش را سپرد و شریک خود را از دست و عنایات لایق و لایق و لایق در حق آنجیبان
 بسزول داشت حال وقت آن است که در مقابل این الطاف تعطفات و عزت
 و افتخار و حس و تعلق قلبی که من دون استحقاق شامل حال این ضعیفان گشته بر یک
 باجری نصاب و تعالیس قیام نمایم و آنچه را نماند قلبی و رضای او بود و تمام قوی
 تحسین و اجرای آن بگوئیم و آن خدمت امر الله است و عمل موجب نصاب آینه
 و تعالیس ما و نیزه نایف قلوب است و تهذیب اخلاق انقطاع از ماسوی
 است و نیزه امور خیریه و مصالح عمومی و عالم انسانی بهم بیان چنگ و قنای
 و نایسین بیان شمس صلح عمومی از ان تعصبانست و تمجید علوم و معارف
 باید به بیان هر از در تمام اجبان این حکم الهیه و مبادی سایه را اعمال و کردار
 و رفتار و گفتار خویش چه جزئیات و چه کلیات برد و اظهار و اثبات نمایند
 تا این امر عظیم افکار عالم را که حال در نهایت پریشانی و حیرانی خفیه آمده در جان خویش
 بقوای معنوی گشته جذب نموده بر آن تمام استولی گردد و اجنای علمی عمل
 سزایده مرزنده عالم را با این ریاق اعظم شفائی سریع و کامل بخشند این چه نعمت و
 موهبتی است که در حق یاران مختارین ملکوت بهایش بسزول گشته و این چه نجات
 عزت و افتخاریست که بر سر آن نجات دهندگان این عالم ظلمانی نهاده حال و
 سنباش و نیایش است و طلب است و ناید و عون و صیانت جمال ابعی تا
 توفیق رفیق گردد و روح مکنونه امر الهی جلوه نموده بر قوای عالم طبیعت و سیاست

بناها

تماما نسیب نماید بساط امر الله در شرق و غرب در انظار ممالک و شعوب گسترده
 شود و ذای جان برای بهاء الاهی آشوب و دلوله با و یون و سیاستون و
 اقتصاد یون را بنماید و بغور حقیقی و سعادت میسر می رساند حال وقت
 بهت است و زمان خدمت بوسایای مبارکه رجوع نماید و در امر تبلیغ
 و تسبیح و تخریب اجبار خدمت این امر عظیم در این ایام مظهر لایق و وقت
 که صدر فتم و لازم است و بر بر امری فائق و مقدم ولی حکمت را باید
 علی الخصوص این ایام که آن اقلیم پریشان و در میان است و احزاب مسلط و
 و معاند قویه در میان اجنای بجهل المنین تعالیس الممتک که در وید و بدین
 لیت نمایند و الا مشکلات تزیاید باید و در امر تبلیغ و هدایت نفس مورد مبارک
 حاصل شود و در یالی و ایام در اجان نجات بیاد آن خادمان جان ساز
 آگهی بوده و مستم الطاف و نایبات و عون و صیانتش را لزال در حق آن برادران
 خواهران روحانی منس و طالبیم ۲۵ ج ۱ / ۱۳۳۱ / ۱۲ ک ۲ / ۱۹۲۳
 بنده آستانش شوقی

بناها

این بر عهد حکم الهی را در هر دو می شای معطر نجات رحمن خواهیم و قیام و اقدامی برین
 تمام آرزو نمایم هر چند امور در بعضی از نقاط در انصفیات تغلب پریشان گشت
 و بر آن مظلوم و دوباره چنگ اهل سوء و عدوان و مغرضین گرا و افانده ولی غیبی

و بناها

دوستان از حضرت بفرماید اهل ظلم ستم را عقرب مقرر و مغلوب خواهد بود
 از عینه قلبیه سوره برادران و خواهران انظار و ان در قطعات اروپ و امریک و آسیا
 و افریک بساحت قدس آن مولای جن رسیده مقبول و اعتراف است مقرر خواهد
 گشت و این فتنه ضعیف را محظوظ فرموده شد تا بر دشمنان و حسودان خواهد فرمود
 ثمرات این بلیات و صدقات در استقبال ابام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجین
 پریشانی و ویرانی اجتناب از این بروج یاران و دشمنان هر دو مکشوف شود
 اجازت رسیده و ابتلا در سبیل امر الله نباید دقیقه آزرده گردند و منازک و منجر شوند
 در لوج این ذنب آن لسان عظمت که تسلی دهنده عالم است باین بیان باطن
 طو فالقاضی فی حکم عجب افقی بسفک می فی اکل و احرم
 برستی میگویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جانست و مقصود روان ستم منکک در
 سببش شدت فائق و خدا بش عذبت لائق در لوج حضرت سلطان ذکر شد
 و نفسی لا اخرج من البلیاتی سبیده و لامن الرزایانی جبهه فذ جعل الله البلاء
 خا و بلیه الله سکره انخضار و ذبالبه لصباحه الذی به شرف الارض و السماء
 این تذلیل ظاهره اجزاء الله در آند بار باید سبب شود که حرارت مجله الله در قلوب
 شدت یابد و نور استقامت و همت نفوس را پیش از پیش نور سازد این ظلم و ستم
 چون عاقبت مدام الله است باید مذاق روحانیان را شیرین و انگبین نماید و بر تشکر و
 اتمان و خلوص و انجذابشان بفرماید چه که این واقعه مانند ابر بهاری اراضی فلور را

مستعد نموده بجل و ریاضین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشد و نمازین عباد
 نورش غریب پر تو هدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند حال وقت صبر و
 سکون است و هنگام تسک بجل المنین تعالیم الهی هر قدر یاران بیشتر توجه
 بیادای ساسیه این امر نمایند و معانی و کلماتی الهی را از آن کلمات عالیات
 استنباط کنند و همت در اجرای آن نصاب شفقانه فرمایند عنایت و حمایت
 الهی بیشتر شامل گردد و اشراق نماید قویتر شود خطه تبلیغ بهتر معلوم گردد و شاگرد
 خدمت امر الله و ترویج دین الله و منعم و مکشوف شود احواله آنچه لازمه ترقی و
 ارتقاء عالم با علی در جبروت و فلاح است من جمیع الوجوه از قلم اصلی و کلک و مثلاً
 باید عیان نازل گشته بیاران سبابه کاغذ عطا فرموده تا با همت و استقامت
 و خلوص و جانفشانی در میدان خدمت قدم گذارند و ما نفس اخیر میگویند
 که این ندا جانگیر گردد و این نور جهان افروز شود و بیاد آن بران در جوار
 این سه بقیعه مبارکه در هر دمی مانوس مالوم و در حق آن بران بدعا و مناجات
 مشغول و در و بشارات روحش از آند بار سرصد ۲۷/۲۲۱/۱۳ ک ۲۲۲

بنده استنانش شوقی

هو الله

دری بحکم العذآ یا اولیا الله و آجانه هر چند از خار به در اسله با آن برادران
 در ایران عزیز تر از جان در و انم بدت مدیدی منوع میگویم و عواطف
 میگویم

مکنوز در قلب از محبت و تعلق و اشتیاق و امید نسبت این خادمان عتسبه
 مقدسه ظاهر ابرار و اظهار نمودم ولی بهواره بیاد آن بار حضرت عبدالبهاء
 که در عبودیت آستان به شریک و همبند این بقعه مآلوفه مانوس بودم
 و بند کرد و تفکر در حال آن عزیزان مشغول پس از واقعه مؤلمه نمودم و کوه
 خون بملکوت ابھی چنان رو بطی معنویه قلوب جمیعان را در خدمت و جانفشانی
 بامر اعظم متحد و مرتبط فرموده که بعد مسافات و مرور سنین ایام انقلاب
 جان و دسائس حسودان و تزیاید مشاغل از یکدیگر منفصل نماید که هر یک
 مخبرات روحانیه مستمره را بهیچوجه حاصل و مانع نگردد این قوه ملکوتیه که
 ارواح و نفوس اجبار چون تن واحد و اعضا و جوارح یکسری یکسر فرموده
 و هیچ بدی و هیچ امری مشتت و پریشان نگرداند بلکه آلام و حوادث
 زمان و مبعان آشوب عالم بر الفت و بیگانگی و وحدت و استقامت
 این حزب مظلوم بفرزاید صفوف مجتهد این جیش مؤید الهی را بهیچ دیدگی و
 خسرت نماید و این جمع متوجه باقی اعلی را بهیچ ظلم و جحانی و تعدی
 ابتدائی مشتت و متفرق نگرداند اساس را بقدرت الهی نهاد
 و در ظل خاج غایت و مکرش نشوونما و محافظه گشته فوجاتش فتوحاتی
 روحانی است و وسائل و وساطت نبل مراش سبب غیبی الهی
 تعلیقاتش من عند الله است و قشون و سپاهش جنود تائید ملا اعلی الهی

مخوش

۴۹۱

توان سناست کنیم و این عالم پر نشسته و آشوب را بحال خود نگذاریم
 الام مرتضی اش در بیان نمایم امید و جید شعوبت قبال و طوائف متحده عالم
 توجیه بدینت الهیه است و بجا حافظ و حامی این خلق بچاره از هجوم و تسلط فتوای
 مملکه بادیه حصین امر الهی است اگر چنین است دقیقه فی فتور در ترویج امر باطلی است
 عظیم و اعمال و عدم اهتمام در انتشار این نور پسین فتور و صورتی شدید میفرمایند
 المدعوون کثیرون و المنخارون قلیلون پس مارا که سر و شال می در این ظهور
 اعظم بچنان موهبت کبرایش دعوت نموده چرا باید خود را از این نصیب هدایت
 من علی الارض محروم سازیم و از مختارین در ملکوتش محسوب نگردیم و در زمره
 مغرین محشور شویم باید تبلیغ در نهایت تکلیف قیام نمود این است امری که لایم
 حضرت عبدالبهاء از ملکوت جلالش آن خاطر و از دستاوردش منظر در وصایا
 اخیرش میفرماید « در این ایام اتم امور هدایت ظل امام است باید امر تبلیغ را
 مهم نمود زیرا اساس است این عبد مظلوم شب و روز ترویج و تشویق
 مشغول گردید دقیقه آرام نیافت تا آنکه صیبت امر الله آفاق احاطه نمود
 و آوازه ملکوت ابھی خاور و باختر را بیدار کرد باران الهی بر چنین باید بفرزاید
 این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت آستان بها « حال غلبی
 امیدوارم مقررم که آن باریان مصداق این کلمات مبارکه گردند و اس اساس را
 در عالم وجود مستحکم ساخته بنیان امر الهی را مندرجا بر آن بنیاد مرتفع نمایند و شرط

وفارا

۴۹۲

وقار مجری دارند و مقام عبودیت صرفه بجهت فائز گردند. نظر این اشارات
روحش از آن دیار بوده و هجرت ۲۶ ج ۱ / ۱۳۴۱ / ۱۳ ک ۲ / ۹۲۳ بنده
استانش شوقی

روحی لوفاکم الفداء فی الحقیقه در این ایام مظلله که جمال بمیال محبوب مولای
مهربان از دیده عنقریب منواری گشته و دل مجوران مستافر الیف غم و اسف
و حسرتی شدید فرموده آن برادران و خواهران روحانی که هر یک معین ناصر و
همین بنده ضعیف تمام قوی توجّه الیه متوکلاً علیہ منقطعاً عن دونه بجزای متنا
و آرزوی حضرت مجد البیاء قیام فرمودند و شرط وقار با آنها و اکتها مجری دانستند
از اصل وقار ضعیف محسوب گشتند و در زمره مغربین داخل شدند امرشان منتهی
مزل است و مقامشان در ملکوت امی عظیم و رفیع فامیدم از درگاه خداوند عالیا
چنان است که روزی روزی که آنافا نارشات روحانیت و بهمت و خلوص پیوستند
شعله هدایت گبری برادران خطه برافروزند و عالم تشنه را با سبیل عرفان
الهی رسانند هر یک آیت بی گزندی و مایه می غنیر از خافلان و مروان عالم
شوند حکمت گبری مجامع تبلیغ بیاریند و علم بین ما بهاء الابعی را در قلب آن
اعظم برافرازد طوبی شرفه از یکدیگر التیام و ارتباطی حقیقی دهند و احزاب
محل تبایضه را بصلح و آشتی و ایمی دعوت نمایند با اعمال نفوس انقلاب نمایند
و سنگین و قار نام بهایز عمر را و صلت مبارک را مسترزازند از شرطان

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين
الذين
اتواهم
بالحق
والهدى
والرحمة
والبرهان
والنور
والهدى
والرحمة
والبرهان
والنور

تعبات عالم مادی را رمانی دهند و تعظیم و تحکیم اساس تربیت نذات بعالم انسانی
نمایند مختصر تعالیم حضرت بهاء الله یکیک تاسیس گشتند و در حیات خویش شهنشاه
این چه امر مهم لازمی است و چه وظیفه صعب مشکلی تقابلد و تعصبات در نفوس
مخمر و اغراض و امیال شخصی در کل نفوس موجود جز قوه قاهره تعالیم بهایز تعصبات
مخوناید و این مفساد قویه که جسم امکان را مسموم و علیل نموده اصلاح نماید و بشعله
مجتانته و عمارت خلوص انجذاب تبدیل نماید وقت خدمت یاران است و
ایام ایام خدمت و جانفشانی سعی و جهد در نجات و استخراص عالم انسانی باید با
بشر پرداخت و تربیت نفوس اینها و قیام کرد تا ظل عالم که مرکب از افرادند و دول
که از اجزای ملت محسوب هر دو تقلیب کردند و بدایت شوند و باین واسطه وحدت
عالم انسانی تاسیس شود و نجاح و فلاحش تحقق یزید الیوم نقطه نظر اجاباید تربیت
تقیف افکار و تحسین اخلاق نفوس باشد تا بتدریج سببیت اجتماعیه تغییر یزید و
خیمه بزرگ عالم انسانی مرتفع شود باید در این ایام با نور اس سببیه پرداخت
و ارکان این بنیان شید را در نفوس افراد مستحکم ساخت چون افراد راجح
و کامل و ثابت گردند امر تزویج تحقق یابد و انتشار سریع امرانته نکن گردد تربیت
اطفال بحسب تعالیم مدونه در کتب الهیه منیابست تتم و لازم است در آن
اهمال نماید چه که اس اساس است علوم ماده عالییه و اطلاعات روحیه
و خوض و تعمق در الواج و آثار مبارکه و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ ادیان و

تحصیل

تخصیص کتب از انجیل و تورات و قرآن کل از مادی ساسیه تربیت افعال و جو آقا
و بین باین تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را با افعال لایحه و اعمال لایحه
فرین دارند و اثبات نمایند تا از مادیون ممتاز گردند و سرش سارین شوند
و چون چنین شود فوج فوج نفوس اقبال نمایند و هدایت گردند از استان
مقدس دعا و استعدانیم که اطفال و جوانان و سائر اجاز رجال و نساء
کتاب ایفای و طائف مقدسه خویش قیام نمایند و در اقدامات و مساعی خود
مؤید و موفق شوند ۲۸ ج ۱ / ۱۳۴۱ / ۱۳ ک ۲ / ۹۲۳ بنده آتش

شوق

هوانه

ای برادران و خواهران روحانی این عبد فانی در صباح و مساء از ملکوت
جلال در این جور عون و صون و حمایت الهیه را از برای ان برادران و خواهران و حاجت
طلبم و مزید موفقیت آن دستار از درگاه حضرت عبد البها جویم که ای خدای مهربان
بنا عظیمت را با سببانی ضعیفی در عالم امکان بصرنی سرچش و باران ابراز از این
سبب بجز ماتی فائق موفق کن سر پرده و چشم عالم انسا نیز از قطب آفاق بوجبت عالم
بیات مرتفع نما و باران آنسا ما از سایه آن خمیه بگریک در انظار عالم جلوه
این عزیزت شدت از غل لو آرشاق نامر مطلقا جمع کن و هر یک را عزیز و جهان فرما
آلا و نم مادی و معنوی را بر خادمان جانفشان امرت بمذول کن و این بندگان

موفق و شاد و سعادتمند
و در این راه هر چه در راه
باشد از آنجا که در راه
باشد از آنجا که در راه
باشد از آنجا که در راه
باشد از آنجا که در راه
باشد از آنجا که در راه
باشد از آنجا که در راه

باوفایت را در ملکوت خویش بوانی عزیزان و نانی فرما الحمد لله که ایوم بشا زنده
امرانند در روز و ظهور است و علام ترویج کلمه الله در هر نقطه و دیاری انشای شده
در دین آلمی در قطعات خمر عالم علی الخصوص در اکناف و صفحات بعیده قطعه استرالیایا و
شرق اقصی نفوس زکیه که دسته دسته داخل میگرددند و عنقریب فوج فوج در جوار
و شمال و شرق و غرب عالم باین نور زمین اقبال نمایند مصداق بشارت فلم
اعلی در شرف ظهور و وقوع است و تنایج بیات و صدقات و مشقات مویا
حضرت اعلی و جمال قدس ای و مولای عزیز حضرت عبد البها منذر خا با کلمها و
احسنها واضح و مکشوف میگردد حال که امر مبارک جمال قدم رو بتقدم و اتساع آ
و صینت آوازه امر الله بسمع جانان رسیده اجبای آلمی باید پیش از پیش علی
انخصوص در آن خطه متقلبه مراعات حکمت را نمایند و پرده دری نکنند از حد
اعتدال خارج گردند و دو طائف مقدسه خود را با انجام رسانیده بصبر و سکون
مستقر شمول بایدهات الهیه گردند و مترصد حصول سبب فوز و فلاح تعجیل نمایند
و انکار را در اضطراب و حیران نیندازند ضعیفی نهید سبب در رفع مشکلات و قلب
نفوس مشغول است باران باید در حسن کردار و حسن رفتار کوشند و گفتار و کردار را
در هیچ شئون چه جزئی و چه کلی تطبیق نمایند اگر چنان شود نفوس منجذب شوند و خاطر
آگاه گردند و الا امر آلمی اثر نماید و نفوذ بازماند و روح آلمی از جریان و سران معرف
در بیان عالم امکان منسج گردد و جفاست اگر این رحمت الله که در قلوب ایوم

روشن

روشن گشته از شعله و نور آن ممنوع شود و از نور و حمودت یاران نسکین و تخفیف
 باید ظلمات نقصات نور درین جنبی را از وجه عالم مستور نموده وقت آن است
 که ساد بیان این ظهور الهی اعمال و اخلاق آن این بار موقده در قلوب شعله بارگانه
 عالم زند و لزومیت دین را بدلائلی قوی و فعلی معین و مادیون عالم
 اثبات نمایند هر چند آن میدان وسیع است ولی جولان شکل چه که اعمال
 طینه ظاهریه مرضیه شرط است و من دون آن خسران بین باید نوسن بنیل
 کبریا کرد و شب و روز استعدا و التماس نمود که در این سبیل بد عنایتش بدو بخشد
 و توفیقش رفیق گردد تا با اعمال لایقه شایسته این مقام فائز شویم و خدمت شایسته
 بقیه مقدسه اش نمایم این است دعای این بعد در آستان الهی و چون با دعیه
 خالصه آن یاران منضم گردد امید چنان است که مقبول آن درگاه شود و بجز اجابت
 مقرون گردد قطرا اخبار و جوش یاران از آن سامانم و بدو کوه شایسته آنان
 مشغول و مانوس ۶۲۶ ج ۱ / ۱۳۴۱ / ۱۳ ک ۲ / ۶۲۳ بنده

آستان شونی

شعلا بنار موقده البیه و ما شرین تعالیم ربانیه را در آنصفحات مشرقی عظیم
 و بجاج و دعای جسد در میدان امرات از درگاه البیه داننا سئلت نمایم که ای رب
 عزیز قلوب منزه حیانت را بر و در نام امید و عنایت شاد و متنزها و
 باو از تعالیم آسمانیت آن خطه بنار که زار روشن کن خیمه امرت را در قطب آن

دعا در آستان شونی
 در این دعا که در آستان شونی
 در این دعا که در آستان شونی
 در این دعا که در آستان شونی

افیم تا بل مرتفع نما و باران آشفته زوبت را بقوتی ملکوتی مبعوث کن موانع و
 مشاکل را با سببانی غیبیه زائل نما و ندای اسم عظمت را بگوش هر قریب و بعید و
 وضع و شریف برسان تا با دیده خراسان که در بد و ظهور اعلام و زیارات حضرت امیرا
 مرتفع ساخته دوباره با ستر آید و از اختلاف رجالی چون اختلاف مبعوث گردد
 که صیبت آنقطعه نور را در شرق و غرب عالم شتر سازند این است دعای
 میسسی ستمری این عبد از درگاه الهی و امیدم چنان است که در این لیله جبران و
 ایام جبران اجا و اما آرا الرحمن چنان قیامی نمایند که عالم را با ستر آرند و روح نجیم
 مرده عالم دهند هیچ شبیه نبوده اگر بمت موفور در این سبیل مبدول گردد
 قوه قاهره روح الهی شامل حال آنقریبان و عزیزان حضرت عبد البهار گردد و
 امرات چنان شعله ای زند که من فی الوجود را در امد هوش و جبران نماید باید در این
 اوقات هر یک بواجبات و وظایف خویش در جزئیات کلیات کما فی فی
 یسین قیام نمایم و بکلمت مذکوره در کتاب در اراضی طینه قلوب تخم افشانی نمایم و
 توکل و اعتماد با و نموده نظر شمول الطاف کردیم و مترصد تحقق نشانات آیه شریفه
 و طولی و پر مرده کردیم آنچه را ما نوریم بجان و دل انجام دهیم و آنچه در سبیل
 الهی واقع گردد خیر محض و مروج مصالح امریه و از تقدیرات الهیه و حکمتها می یافته
 اصدیه شریف در الواح و آثار معین و تحقق نموده بگوئیم هر یک از آن فصاح
 شفقانه را حاصل شویم و بر غیبت کردار و رفتار درین حق زمین و ممتاد کردیم

بسم الله

از درگاه محبوب ابی و مقام مقدس حضرت اعلی و مرقد مطهر حضرت عبدالبهار روحی
 ناجائز هم الفدا در حق هر یک از آن برادران و خواهران نورانی خود قلی طایف محبت
 الکی و قد می ثابت در امر رحمانی و ربانی ماطن آیات و اسرار ربانی خواص و صون
 و حایتش را استعدا کنم تا بهمتی آمال فایز گردید و در دو عالم مقهر و مغزوم تصور شود
 ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۱ بنده آستانش شونی

ببلان کلزار این بوستان الکی را از زمانی بدیهه بر شاخسار ایمان و عرفان و ایقان
 از غنچه مقدسه همواره ساقی و مستقیم و از آن شبنمگان جمال ابی در ذکر و
 شای آن روی محبوب و جلوه مستور نغیبات و نعوت و اوصاف فیضی و
 منظر هر چند عواصف شدید جان و جانبا از اسرار احاطه نموده و چهار
 خنک استیز آسمان عالم ایزه و تار یک کرده در وایج کرده ضعیفه و بغضار
 شام بی نوع بشر را از استشام نغیبات قدس که از صفت عبات جمال ابی در
 این صر موعود در محبوب مورد است ممنوع ساخته ولی تا عالم ایمان در برین
 مصائب و بلا یا نوزد و دول و ظل شمشیر از کاید بسیار سیه و تقاصد سیه
 خسته شان نگردد و افراد بشر از محبوب این ابدای هموم مخالف بهوی و هموس
 پشیمان و مایوس نشوند انوار ابدی از شرق این ظهور کلی الکی پر نوری بر عالم بیگذد
 و لب تشنگان قالیان بگوثر عرفان و ایمان و اصل نگردد تا خسته و آزرده نگردد
 و منتظران بر و بال خویش نشوند و تشنه و سرگردان آرزوی ساحل نجات نمانند

بسم الله الرحمن الرحیم
 در این کتاب که در این شهر کربلا
 در روز جمعه ۱۳۲۱
 در محراب مقدس حضرت عباس
 در کتبخانه حضرت عباس
 در کتبخانه حضرت عباس
 در کتبخانه حضرت عباس

طوب

۴۹۸

تفاوت این تعالیم و نه این ملات است مقدسه چهره کشاید و مقدره نفس نشین را نشانی
 معاد نم نشود شبیه نیست که آرزو مبارک خواهد رسید که نفس مخمور این آیت
 دین الکی و مر و همین عقاید پیغمبره مادیون عالم خود قیام نمایند این آشوبه فتنه
 بدست خویش خواهند خورد و بیان بیدنی غرطشان را از اساس بر اندازد
 و جان دل بقوالی اشد و اکمل از قبل بتلانی باغات قیام نموده خود را ضمیر برود
 این امر مبارک نمایند و مروج تعالیم حضرت بهار اند که زنده بنایچه علام و بشائر
 ایوم و صفحات رسیده تا حدی واضح و معلوم گشته امید بجای مفضوح بود که
 این شورشیان مالک روس که بعد از اساسی آنان تغییر مشرب عالم و توجه عوام
 به بیدنی و عدم اعتقاد بشون روحانیده است روزی خود سبب ترویج
 امر الله را در صفحات ترکستان و قفقاز یا فرا هم آرند این حزب ندارد بلند
 نموده که دین مانند ایفون بیکل سبیت اجتماعیه راست و حافظ نماید و بهوشیار
 و بیدار بر یکبات و بیوشی تبدیل دهد سبب ضعیفی الکی بچو قوه مغزیه میرا
 سبب اعلاای امر الله در انسان نمود حال همین نحو که این امر عجیب و غریب
 بعید المرام بلکه معتنع و محال بود بدیغی الکی در تغلیب نفوس و ارواح مستور
 و شبیه نیست که اگر باران ثابت و راسخ مانند و در نهایت تکلیف حکمت
 بوخائف خود قیام نمایند اموری عجیبه از پس پرده حکمت الکی شهود و عیان
 گردد و چون باید بقوالی ملکوتی و بسبب غیر منظره و در تقاطعی مخصوص حضرت

۴۷۵

امریه را خواهند کرد و چشم و ما نیاز در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود تا نام ایام نه دست و با نشانست تا از این نعمت کبری و مانج و موبت عظمی در این یوم مبارک منوع و محروم نشویم ۱۱ ک ۹۲۳/۲ ۱۲۴۱ هجری ۱۲۴۱ بنده آستانش شونی

بخوانند

یا اجبار الله و او دانه الحمد لله که نامه آن برادران و خواهران روحانی که حکایت از روحانیت و اقدامات مجدانه اجبای الهی نمود بارض اقدس حاصل گردید و از فراموش فرج و سرور کلی حاصل امید چنانست که بمواره شام آن یاران با همت و وفای بشارت الهیه و عبور و مرور از این مسافرن ارض مقصود و ملاقا و موانست مبلغین و منادیان امر الله که از اند بار گذر نمایند معطر و مغبر باشد و ارواح و قلوبشان شاد و مستبشر در این خوار از آستان بیک مختار انجمن را ترقیات معنویه و تقدم و پیشرفتی سریع در میدان وسیع امر الله خواهم تا انشاء الله بهمت اعضای محترمه محفل روحانی و معاونت و مساعده قلبی یاران اساس محکم و متین نهاده بنیان رفیع مشرق الاذکار را در مستقبل ایام در نهایت جلوه و شکوه مرتفع سازید حال وقت تأسیس است و ترویج تعالیم الهیه جبل مودت و اختلاف و یکاگی و اتحاد را باید در بین یاران روز بروز بیشتر تقویت داد و بتواند و تعاضد افروز از جنی افراد اجاباید کمال تقیاد و اعتماد را با اعضای محفل روحانی خویش داشته باشند و مساعدت و تأیید آن محفل انانند و از

جنتی

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطاهر المصطفى
الطيب الوفي
الطاهر المصطفى
الطيب الوفي

جنتی انشای محفل اید شب و روز فکری جز ترویج صلاح عمومی امریه و تفریر امریه و خط و صیانتش از شر اعدا داشته باشند ایصال و مصالح شخصی را فراموش نموده خود را خادمان و نماینده جمع اجادانند و آنچه را صلحت امریه و خیر عموم است مجری دارند امید چنان است که یاران ازلی این اساس القبر المحکم و استوار نموده بخدماتی فائق در سبیل امر الله موفق گردند این است دعای نیجید و تنائیش از درگاه حضرت عبدالبهاء از برای آن یاران جان نثار در حق جناب دکتر حمید خان و جناب خان بابا از آستان حضرت بهاء الله شفای عاجل طلب و صون و حمایت الهیه مسکت نمایم امید که این رجای بفرانجام و قبول مفعول گردد بمواره فقط اخبار و بشارت روحش از آند بار بوده هجتم ۱۷ شباط ۱۹۲۳ بنده آستانش شونی

بخوانند

اللهم انعم على نشر نعمات الله لعدايتهم طيبا يشاهدون منكم الفراء
اللهم على نشركم الوية الميثاق في الافاق و اسماكم لا اساس الامر في تلك الامم
اللهم و لقد سرتني بشارة تأسيس المحفل الروحاني في دياركم و قيامه بيننا لئلا
تفترق الروابط الرومانية بين الاجزاء في مشارق الارض و مغاربها و اتقني
من الباع المقتدر التمس لكم التوفيق من الرب المجيد حتى تشع دائرة
الهداية و ترضوا و تأسوا في مستقبل الايام في تلك المدينة التي كانت

موتی

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطاهر المصطفى
الطيب الوفي
الطاهر المصطفى
الطيب الوفي

موطن اقدم مولانا حضرة عبد الجبار بيان مشرق الأفكار وبذلك تفوزوا
 بنسبي آياكم الروحانية ونجد مواجده جليده للعبية المقدسة وقد اطلع
 بمضمون خطابكم الاجتاه من المسافرين والمجاورين في البقعة النورانية ونشرها
 صدر القياكم واحتماكم وسيعلم الموفور في هذا السبيل وعليكم بالاشراك
 بالجملة الامرية كنتم باختر والبشارة ونور شيد خاور لانها حسن
 رابطة روجية بين الاخيار ودققوا النظر في مطالعة مقالنا وارسلوا
 لكل منها عندكم من البشارات الامرية لتبج القلوب وتفتش
 الارواح بالاطلاع على نفوذ الامر واعلاء الكلمة في هذه الديار واتى
 اشتاق للاطلاع على اسما الاجتاه وعدم من المؤمنين والمؤمنات
 بطرفكم في مدينة بور سعيد واسماعيلية البالغين من الواحد والعشرين
 وماعدا ولا زال انتظر اخباركم الامرية وبشارتكم الرحمانية من
 تلك الجهات وعليكم في كل اشئون والاحوال مراعاة الحكمة المستورة

في الكتاب شوقى جفا ٢٣ ديسمبر ١٩٢٢
 بور سعيد حضرات الاعضاء المحض الروحاني وسائر الاجتاه حفظهم الله وايدم

هوانه

روحى وذاتى لكم الفداء ايها المقربون من نار محبة الله اتى
 اخذت بايدي الفرح والابحاج فبقتكم الغراء المتصوفة منها راحة كبت

والوفاء

٤٧٣

الوفاء الذاذ على قياكم نشر نجات الله في تلك الارباب انما فقه نجاكم
 استلافكم وجمدكم اجزى ونعاؤكم وتعاؤكم على تشييد اركان الامر
 في ارض وطسم اقدم سيدنا ومولانا حضرة عبد البهار روحى لاجتاه
 الخالصين وارفاقه الثابتين فداى فاحترز روحى وفزعى فرحا
 بالقبلا وملاحة اسما انما الله الذين احارهم الله لخدمته اجتاه
 سيات امره وبث تعاليمه في تلك الانحاء فبشرى لكم بانتم بعروة
 حماد والاتفاق ووضع اساسا رزينا متينا لبيان الامر الا
 ليس المحض الروحاني بل روح وريحان ونشاط والمهتان
 سكين يحمل المسورة في كل الاجيان واتى من هذه البقعة البيضاء و
 فقه النورانية احثكم وحسيكم وشاركم في جوركم وسيعلم الموفور
 بسببكم انما لرب الغفور راجيا بكل قلبى التوفيق والتأييد من
 الجيد حتى يشهد بمرور الايام صيت الحق وتحقق ايمان
 المومنين الموصوفه والبشارات المترد من القدم الاعلى وتصح

التي تراس الهداية لذلك الاظيم القديم ومركز الانوار

التي تراس الهداية لذلك الاظيم القديم ومركز الانوار

التي تراس الهداية لذلك الاظيم القديم ومركز الانوار

سبيل الهداية عبادة و بسط ساطق التبليغ بكل حكمة و اهتمام و ان
 بكل و انصرح في هذا الجواب الى الرب المحار بان يسلمكم بفيضه و
 بركته و يؤيدكم و يعينكم بته و احسانه ليرزق و عدوكم و تبسح و انزلكم و
 يغفر ذنوبكم و يكثر معلوكم و تنفذ و مجامعكم و محافظكم و تحقق باركم
 و مقاصدكم و يرفع بيان شرق الاذكار في قلب تلك المدينة
 حينئذ تنفتح ظلمات الجهل و التقليد و تشتت غيوم التعصب
 و الغفلة و يلمع نور البصائر و تضيء بدر البساق في سماء
 القلوب بكل سطوع و اشراق يومئذ يفرح

المؤمنون ۱۰ ابي بصير

شوقی

آیات مبارکه ذیل از صفحه پنجم سطر سیم لوح مبارک است که در این لوح
 تحت طبع و توزیع شده از قلم کاتب این مقصود است که آیات این لوح
 قوله الاعلیٰ

نامه این مبلغین از زبان حال و مقالشان مرتفع که مرز و فلور حاضر و آما و
 انما من به استانه نمودم حال مطرا قدمات و تعاون و تعاضد بر این
 و خاوران شایسته نماید و این مقصود بر استعداد و ابراهیم ایالات و
 مشتمل فرمایند نام حضرت با آنکه از اعراض آن کافل معروف است
 از شرق اقصیٰ بین مدارات خاوران و عالی در جزایران آیات
 حضرت رحمان را بر زبان صبی و ژاپانی نیز ترجمه نموده و سبیل خدمت را
 در ساحتها تا باران شرق و غرب هر دو در این میدان قدم نشیند و مملکتها را
 که در این مملکت دارای عالمی و تمدنی مخصوص است و از حیث آنکه نفوس بیخ
 شکون عالم است و از حیث تربیت و اخلاق و قوای کیهانی و ادبیه و
 روحانیه نفوس بر سر مملکتی از ممالک عالم دارند و از این جهت هر یک از این
 مملکتها را در هر یک از این ممالک عالم دارند و از این جهت هر یک از این
 مملکتها را در هر یک از این ممالک عالم دارند و از این جهت هر یک از این

و اسطه مشی مفضل روحانی تهران جناب آقای میرزا علی کبیر روحانی ائمه الهه
طهران اعضای مجتهد مفضل مقدس روحانی ائمه الهه خاتم
ایمان آتیه و اصیقا نه روحی در ارضی کلم الفدا نامه مفضل روحانی بتاریخ
۱۹۲۲ میل حکایت از بهت و ثبات و اتحاد و یکپارگی و عشق و وفای
آن حافظان و حارسان حسن شد بیت الله در این ایام مظلوم نمود سرود
بر فروردین شبید و علت اطمینان و استعاضای این خسته دل مشتاق گشت
آنچه ناچاران ستم دیده ایران عموماً و اعضای مفضل طهران خصوصاً در این شهر
خیره و ایام عبیر و مجمل گشته اند و اجرا نموده اند کل در نهایت سطوح و موج
ساعت کبریا معلوم و مشهود و این عبد محروم بر هر یک از آن شایه
و آگاه فی الحقیقه افراد و محافل مجسایان در تمام ایران در مقابل این بیگانه
سوارزه و آفات و محن متکاثره و منازعات داخله و تهدیدات
شدیده و مقریات و دسائس خفیه و اضطرابات نامده چون
بیان مرصوص مقاومت عواصف کون و امواج امتحان را نمودند
و چون ذمب ابریز در آتش افشان چنان رخی بر افروختند که پرتو
اکی قلوب اسل غیب را از برادران و خواهران روحانی خویش شعل
سببش و نورانی نمود و آنان را بخدمت کلمه در آن ممالک شامه
آزاد در این ایام موفق کرد و این عبد سراپا تقصیر را کبوی جانان

بکشد